

دعا و درمان با کتاب و سنّت

تألیف:

سعید بن علی بن وهف قحطانی

به کوشش:

فاروق رستمی تبار

عنوان کتاب: دعا و درمان با کتاب و سنت
تألیف: سعید بن علی بن وهف قحطانی
به کوشش: فاروق رستمی تبار
موضوع: آداب و رسوم اسلامی - دعا، ذکر و مناجاتنامه
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: آبان (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب.....	أ
پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۳
فضیلت دعا.....	۶
آداب دعا و اسباب اجابت.....	۷
اوقات و حالت‌ها و مکان‌هایی که دعا در آن‌ها اجابت می‌گردد.....	۹
دعاهایی از کتاب و سنت.....	۱۲
دعاهای مسنونه.....	۲۰
اهمیت معالجه با کتاب و سنت.....	۴۵
مقدمه.....	۴۵
۱- علاج سحر (جادو).....	۵۱
۲- علاج چشم‌زخم.....	۶۲
۳- علاج و آمیختگی جنی با انسان.....	۶۴
۴- معالجه بیماری‌های درونی.....	۶۵
۵- معالجه دمل و زخم.....	۷۰

-
-
- ۶- علاج و گرفتاری..... ۷۱
- ۷- درمان غصه و اندوه ۷۴
- ۸- درمان سختی و فشار ۷۵
- ۹- درمان و معالجه مریض برای خود ۷۶
- ۱۰- هر مسلمانی که به عیادت مریض برود..... ۷۶
- ۱۱- معالجه: اضطراب و هراس در خواب ۷۶
- ۱۲- معالجه تب ۷۶
- ۱۳- معالجه گزیدن و نیش زدن ۷۷
- ۱۴- معالجه غضب و خشم ۷۷
- ۱۵- معالجه با سیاه‌دانه ۷۸
- ۱۶- معالجه با عسل ۷۸
- ۱۷- معالجه با آب زمزم ۷۹
- ۱۸- مداوا و معالجه بیماری‌های قلب ۷۹
- بیماری‌های قلب دو نوع می‌باشد:..... ۸۱

پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ عَلَى آلِهِ
وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ.

«دعاء از کتاب و سنت» ترجمه است از بخش اول کتاب «الذِّكْرُ وَالِدُعَاءُ
وَالْعِلَاجُ بِالرُّقَى مِنَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ» تألیف دکتر سعید بن علی بن وهف
قحطانی، با این توضیح که قسمت دوم این کتاب، بنام «معالجه با نسخه
قرآن و سنت» توسط ناصر مطلبی قولنجی در انتشارات حسینی اصل ارومیه
به چاپ رسیده است.

جهت ترجمه کتاب فوق از منابع زیر استفاده شده است:

۱- قرآن کریم.

۲- الحصن الحصین من کلام المرسلین «پناهگاه مؤمنین» از امام محمد بن

محمد جزری رحمته، ترجمه و توضیح استاد مولانا محمد قاسم قاسمی،

ناشر: شیخ الاسلام احمد جام.

۳- حصن المسلم من أذکار الكتاب و السنة «پناهگاه مسلمان»، تألیف

دکتر سعید بن علی بن وهف قحطانی، مترجم دکتر یونس یزدان

پرست، ناشر: حرمین زاهدان.

به امید این که کتاب مورد نظر بتواند مورد توجه دوستداران شریعت

و سنت نبوی قرار بگیرد.

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ [الأعراف: ۲۳].

«پروردگارا! ما بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحمت و رأفت نفرمایی از ستمکاران شده ایم».

فاروق رستمی تبار

مقدمه

حمد و ستایش خاص خداوند است او را سپاس می‌گوییم و از او استعانت و استغفار می‌طلبیم، و از بدی‌های درون و زشتی‌های نهان به او پناه می‌بریم. هر که را خدایش هدایت کند او را گمراه‌کننده نیست و هر که او را گمراهش کند او را هدایت‌گری نیست و گواهی می‌دهم که معبود به حقی جز خداوند نیست یگانه است و او را شریکی نیست و گواهی می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول اوست. درود و سلام فراوان بر او و آل و یاران او باد.

اما بعد:

این خلاصه از کتابم «الذکر والدعاء والعلاج بالرُقَى» می‌باشد که بخش دعای آن را مختصر نمودم، تا بهره‌گیری از آن آسان گردد و دعاها و نکته‌های سودمند به آن اضافه نمودم، و خداوند را با اسماء نیک و صفات عالی‌هاش فرا می‌خوانم که آن را محض رضای خود قرار دهد، و او ولی و بر آن قادر و تواناست.

درود و سلام خداوند بر پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله

مؤلف

سعید بن علی بن وهف القحطانی

در ماه شعبان ۱۴۰۸ هـ تحریر گردید

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف: ۱۷۹].

«و خدا را نام‌هایی نیکوست، بخوانید خدا را به آن نام‌ها و آنان که در نام‌های خدا کفر و عناد می‌ورزند به خود واگذارید که به زودی به کردارشان مجازات خواهند شد.»

و این اسماء (نام‌های) است که آمده:^۱

الله	الأعلى	البصير	القادر	الحليم	الشهيد
الأول	المتعال	العليم	المقتدر	العفو	الحفيظ
الأخر	العظيم	الخبير	القوي	الغفور	اللطيف
الظاهر	المجيد	الحميد	المتين	الغفار	القريب
الباطن	الكبير	العزیز	الغني	التواب	المجيب
العلي	السميع	القدير	الحكيم	الرقيب	الودود
الشاكر	الجبار	البر	الرؤوف	الرب	الخالق
الشكور	الخصيب	الوهاب	الفتاح	الملك	الخالق
السيد	الهادي	الرحمن	الرازق	المليك	الباري
الصمد	الحكم	الرحيم	الرزاق	الواحد	المصور
القاهر	القدوس	الكريم	الحي	الأحد	المؤمن

۱- نگاه کنید به این اسماء و صفات که در کتاب و سنت در شرح اسماء الله الحسنی فی ضوء الكتاب والسنة از مؤلف.

المهيمن	المتكبر	القيوم	الأكرم	السلام	القهار
		الولي	الباسط	الجميل	المحيط
		المولي	المعطي	الرفيق	المقيت
نور السموات		النصير	المقدم	الحيي	الوكيل
والأرض ذوالجلال		الشافي	المؤخر	الستير	الكافي
والإكرام بديع		مالك	المبين	الإله	الواسع
السموات والأرض		الملك	المنان	القابض	الحق
		جامع الناس			

فضیلت دعا

﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ [غافر: ۶۰].

«و پروردگارتان گفت: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، آنان که از عبادت من تکبر می‌ورزند، (و خود را بزرگ‌تر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند) به زودی خوار و رسوا به دوزخ درآیند.»
و می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ [البقرة: ۱۸۶].

«و هنگامی که بندگانم از تو درباره من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می‌گویم، پس آنان هم دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه را یابند.»
و پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«الدُّعَاءُ هُوَ الْعِبَادَةُ» ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ [غافر: ۶۰].
«دعا عین عبادت است.» «پروردگار شما فرموده است: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را»^۱.

۱- ابوداود، ۸۷/۲ و ترمذی، ۲۱۱/۵ و ابن ماجه، ۱۳۵۸/۲، نکا: الجامع الصغیر، ۱۵۰/۲، و ابن ماجه، ۳۲۴/۲.

و در روایت دیگری می‌فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمْ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَيَّ كَرِيمٌ يَسْتَجِيبُ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَيْهِ أَنْ يَرُدَّهُمَا صِفْرًا».

«پروردگار بلند مرتبه شما زنده و والاست. هرگاه بنده‌اش دستانش را به سوی او دراز کند شرم می‌دارد آن‌ها را خالی باز گرداند». و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَدْعُو بِدَعْوَةٍ لَيْسَ فِيهَا إِثْمٌ وَلَا قَطِيعَةٌ رَحِمَ، إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِهَا إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا أَنْ تُعَجَّلَ لَهُ دَعْوَتُهُ، وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَهَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ، وَإِمَّا أَنْ يَصْرِفَ عَنْهُ مِنَ السُّوءِ مِثْلَهَا» قَالُوا: إِذَا نُكِّرْتُ؟ قَالَ: «اللَّهُ أَكْثَرُ».

«هیچ مسلمانی خداوند را فرا نمی‌خواند با فراخوانی که در آن گناه و قطع صلہ نباشد مگر اینکه خداوند با فراخوانی وی یکی از سه چیز را به وی عطاء نماید؛ یا اینکه در استجابت دعای وی شتاب نماید و یا آن را برای وی در آخرت ذخیره کند، و یا اینکه بدی و شری همچون خواسته او را از وی باز دارد، صحابه گفتند: پس ما بیشتر دعا می‌نماییم. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: خداوند بیشتر است»^۱.

آداب دعا و اسباب اجابت

- ۱- اخلاص برای خداوند.
- ۲- دعا با حمد و ستایش خداوند آغاز گردد سپس با درود بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ختم آن با درود بر او.
- ۳- قاطعیت در دعا و باور یقینی به اجابت آن.
- ۴- اصرارورزی در دعا و عدم شتاب.

۱- ترمذی، ۵۶۶/۵ و ۴۶۲/۵ و احمد ۱۸/۳، نگاه: صحیح الجامع، ۱۱۶/۵، و ترمذی، ۱۴۰/۳.

- ۵- حضور قلب در دعا.
- ۶- دعا در آسایش و سختی.
- ۷- تنها از خداوند درخواست کردن.
- ۸- پایین آوردن صدا در هنگام دعا به طوری که بین پایین بودن و بالا بودن باشد.
- ۹- اعتراف به گناه و طلب استغفار از آن و اعتراف به نعمت و شکرگذاری بر آن.
- ۱۰- عدم تکلف در آوردن کلمات موزون در دعا.
- ۱۱- دعا کردن با خشوع و زاری و امید و ترس.
- ۱۲- برگرداندن اموال و دارایی غضب شده به صاحبانش همراه با توبه.
- ۱۳- سه بار دعا کردن.
- ۱۴- رو به قبله بودن.
- ۱۵- بلند کردن دست‌ها در دعا.
- ۱۶- وضوء داشتن هنگام دعا در صورت امکان آن.
- ۱۷- عدم تجاوز و تعدی در دعا.
- ۱۸- هرگاه دعا کننده برای دیگری دعا نمود دعا را برای خود شروع نماید.
- ۱۹- با اسماء حسنی و صفات عالیه خداوند و یا با کردار نیکی که خود به آن پرداخته است و یا با دعای مرد صالح زنده که پیش او حضور دارد به خداوند متوسل شود.
- ۲۰- خوراک، نوشیدنی، و پوشش او از حلال باشد.
- ۲۱- به گناه و یا قطع صله رحم دعا نکند.
- ۲۲- امر به معروف و نهی از منکر نماید.
- ۲۳- دوری جستن از همه گناهان.

۲۴- دوری جستن از بد دعای بر خانواده، مال، فرزند و نفس خود.

اوقات و حالت‌ها و مکان‌هایی که دعا در آن‌ها اجابت می‌گردد^۱

- ۱- شب قدر
- ۲- در دل شب
- ۳- بعد از نمازهای فرض
- ۴- میان اذان و اقامه
- ۵- ساعتی از هر شب
- ۶- هنگام اذان برای نمازهای فرض
- ۷- هنگام باریدن باران
- ۸- هنگام آماده شدن برای جهاد در راه خداوند
- ۹- ساعتی از روز جمعه
- ۱۰- و ارجح‌ترین اقوال در مورد اوقات اجابت دعا، آخرین ساعت از ساعت‌های عصر روز جمعه و چه بسا هنگام خطبه و نماز باشد.
- ۱۱- هنگام نوشیدن آب زمزم با نیت پاک
- ۱۲- در سجده
- ۱۳- هنگام بیدار شدن در شب با دعای مأثور در این مورد
- ۱۴- با داشتن وضو بخوابد سپس پاسی از شب بیدار گردد و دعا کند.
- ۱۵- دعا نمودن با دعای: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ [الأنبياء: ۸۷] «هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی‌گمان من از ستمکاران بودم».

۱- به اصل کتاب مراجعه شود، ص ۱۰۱-۱۱۸.

۱۶- دعا بعد از ستایش خداوند و درود بر پیامبر ﷺ در تشهد اخیر در نماز

۱۷- فراخواندن خداوند به اسم اعظم او که هرگاه به آن فراخوانده شود اجابت کند و هرگاه به آن از او درخواست شود عطا نماید^۱.

۱۸- دعای مسلمان برای برادر مسلمانش در غیاب وی

۱۹- دعای روز عرفه در عرفه (مکه)

۲۰- دعا در ماه رمضان

۲۱- هنگام اجتماع مسلمانان در مجالس ذکر خداوند

۲۲- هنگام دعا کردن در مصیبت و گرفتاری، با این جمله‌ها: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا

إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا»^۲.

۲۳- دعا در حالت روی آوری قلب بر خداوند و فزونی یافتن اخلاص.

۲۴- دعای مظلوم بر علیه آنکه به او ظلم کرده است.

۲۵- دعای پدر برای فرزند و بر علیه فرزندش

۲۶- دعای مسافر

۲۷- دعای روزه‌دار تا هنگامی که افطار می‌کند

۲۸- دعای روزه‌دار هنگام افطار

۲۹- دعای نیازمند

۳۰- دعای امام عادل

۳۱- دعای فرزند نیکوکار برای والدینش

۳۲- دعا بعد از وضو گرفتن با دعای مأثور درباره وضو

۱- به اسم اعظم خداوند در حدیث شماره ۹۴، ۹۵ و ۹۶ از این کتاب نگاه شود.

۲- ترجمه: بدون تردید ما از آن الله هستیم و بازگشت همه‌ی ما بسوی اوست. الهی! مرا در مقابل مصیبتم، پاداش ده، و در عوض آن چیز بهتری به من عنایت فرما.

۳۳- دعا بعد از رمی جمره (حج) کوچک

۳۴- دعا بعد از رمی جمره میانه

۳۵- دعا در درون کعبه و هر کسی در داخل حجر دعا و نماز خواند آن هم جزء بیت است.

۳۶- دعا کردن بر روی کوه صفا

۳۷- دعا بر روی کوه مروه

۳۸- دعا در مشعرالحرام

و فرد مؤمن هر کجا باشد پروردگار خویش را فرا می‌خواند همچنان که قرآن می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾

[البقرة: ۱۸۶].

«هرگاه بندگانم از تو در مورد من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هرگاه مرا بخواند پاسخ می‌گویم»
ولیکن این اوقات و احوال و اماکن به عنایت بیشتری متمایز گشته‌اند.

دعاهایی از کتاب و سنت

الحمد لله وحده والصلاة والسلام على من لا نبي بعده

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾

﴿۲۳﴾ [الأعراف: ۲۳] «پروردگارا! ما به خود ستم کردیم، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نکنی، مسلماً از زیان کاران خواهیم بود».

﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ ﴿۴۷﴾ [هود: ۴۷].

«پروردگارا! همانا من به تو پناه می‌برم، که از توجیزی بخواهم که به آن علم ندارم، و اگر مرا نبخشی و بر من رحم نکنی، از زیان کاران خواهم بود».

﴿رَبِّ أَعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾

[نوح: ۲۸] «پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را و هر آن کس که با ایمان وارد خانه من شود، و (تمام) مردان مؤمن و زنان مؤمن را ببامرز».

﴿رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ ﴿۱۲۷﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ

وَمِنْ دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ

الرَّحِيمُ ﴿۱۲۸﴾ [البقرة: ۱۲۷-۱۲۸].

«پروردگارا! از ما بپذیر، همانا که تویی شنوای دانا. * پروردگارا! ما را فرمان‌بردار خودت قرار ده، و از فرزندانمان امتی فرمان‌بردار خود (پدید

آور) و طرز عبادت‌مان را به ما نشان ده، و توبه ما را بپذیر، بدرستی که تو توبه‌پذیر مهربانی.»

﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤١﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤٢﴾﴾ [ابراهيم: ۴۰-۴۱].

«پروردگارا! مرا بر پا دارنده نماز قرار بده، و از فرزندانم (چنین فرما)، پروردگارا! و دعای مرا بپذیر! * پروردگارا! مرا و پدر و مادر مرا، و مؤمنان را (در) روزی که حساب بر پا می‌شود بیامرز.»

﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾﴾ [الشعراء: ۸۳].
«پروردگارا! به من (دانش و) حکمت ببخش، و مرا به صالحان ملحق کن.»

﴿وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾﴾ [الشعراء: ۸۵].
«و مرا از وارثان بهشت پر نعمت بگردان.»

﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾﴾ [الشعراء: ۸۷].
«و در روزی که همه مردم بر انگيخته می‌شوند مرا رسوا و شرمنده مکن.»

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾﴾ [الصفات: ۱۰۰].
«پروردگارا! به من (فرزندی) از صالحان عطا فرما.»

﴿رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾﴾ [الممتحنة: ۴].
«پروردگارا! بر تو توکل کردیم، و به سوی تو روی آوردیم، و بازگشت (همه) به سوی توست.»

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَآغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٥﴾﴾ [الممتحنة: ۵].

«پروردگارا! ما را دستخوش (فتنه) کافران قرار مده، و ما را بیمارز ای پروردگار ما! بی گمان تو پیروزمند حکیمی.»

﴿رَبِّ أَوْزَعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾﴾ [النمل: ۱۹].

«پروردگارا! به من توفیق ده تا شکر نعمت‌هایی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته بجای آورم، و (توفیق عطا فرما تا) کار (های) شایسته که تو خوشنود شوی، انجام دهم، و مرا به رحمت خود در (زمره) بندگان صالحت در آور.»

﴿رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾﴾ [ال عمران: ۳۸]

«پروردگارا! از طرف خود فرزند پاکیزه به من عطا کن، به درستی توشنونده دعایی.»

﴿رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴿٨٩﴾﴾ [الانبیاء: ۸۹].

«پروردگارا! مرا تنها مگذار، و تو بهترین وارثانی.»

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾﴾ [الانبیاء: ۸۷].

«(پروردگارا!) هیچ معبودی بر حق جز تو نیست، تو منزهی! بی گمان من از ستمکاران بودم.»

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّ لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴿٢٨﴾﴾ [طه: ۲۵-۲۸].

«(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را برایم بگشا. و کارم را برایم آسان گردان. و گره از زبانم باز کن. تا سخنانم را بفهمند.»

﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ﴿١٦﴾﴾ [القصص: ۱۶].

«پروردگارا! من به خود ستم کردم، پس مرا ببخش.»

﴿رَبَّنَا ءَامِنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ ﴿۵۳﴾
 [آل عمران: ۵۳]. «پروردگارا! به آنچه نازل کرده‌ای، ایمان آوردیم و از فرستاده (تو) پیروی نمودیم؛ پس ما را از زمره گواهان بنویس.»

﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ ﴿۸۵﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۸۶﴾ [یونس: ۸۵-۸۶].

«پروردگارا! ما را دستخوش فتنه گروه ستمگر قرار نده، * و به رحمت ما را از (شر) گروه کافران نجات بده.»

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ ﴿۱۴۷﴾ [آل عمران: ۱۴۷].

«پروردگارا! گناهان ما را بیامرز، و از زیاده روی ما، در کارمان (بر ما بیامرز) و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر گروه کافران، پیروز گردان.»

﴿رَبَّنَا ءَاتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا﴾ ﴿۱۰﴾ [الکهف: ۱۰].
 «پروردگارا! ما را از سوی خود رحمتی عطا کن، و راه نجاتی بر ایمان ما فراهم ساز.»

﴿رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ﴾ ﴿۹۷﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿۹۸﴾ [المؤمنون: ۹۷-۹۸].

«پروردگارا! من از وسوسه‌های شیطان به تو پناه می‌برم، * و پروردگارا! از اینکه آنان نزد من حاضر شوند، به تو پناه می‌برم.»

﴿رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ ﴿۱۷۸﴾ [المؤمنون: ۱۷۸].
 «پروردگارا! ببخش و رحم کن! و تو بهترین رحم‌کنندگانی.»

﴿رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾﴾
 [البقرة: ۲۰۱] «پروردگارا! به ما در دنیا نیکی عطا کن، و در آخرت (نیز) نیکی (عطا فرما) و ما را از عذاب آتش ننگه دار».

﴿سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾﴾ [البقرة: ۲۸۵].
 «شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را (خواهانیم) و بازگشت به سوی توست».

﴿رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾﴾
 [البقرة: ۲۸۶].

«پروردگارا! اگر فراموش یا خطا کردیم، ما را مؤاخذه نکن، پروردگارا! بارگران (و تکلیف سنگین) را بر (دوش) ما مگذار، چنانکه آن را بر (دوش) کسانی که پیش از ما بودند؛ گذاشتی، پروردگارا! آنچه را که طاقت تحمل آن را نداریم بر (دوش) ما مگذار، و ما را بیامرز و به ما رحم فرمای. تو مولا و سرور مایی پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان».

﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨﴾﴾ [آل عمران: ۸]

«پروردگارا! دل‌های ما را، بعد از آنکه ما را هدایت کردی (از راه حق) منحرف مگردان، و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش براستی که تو بخشنده‌ای».

﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّتَا سَمِعْنَا

مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيْمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا
وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَعَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى
رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾ [ال عمران: ۱۹۱-
۱۹۴].

«پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای، منزهی تو! پس ما را از عذاب
آتش (دوزخ) نگاه دار. * پروردگارا! کسی را که تو به آتش (دوزخ) در
آوری، یقیناً او را خوار و رسوا کرده‌ای، و برای ستمکاران یاورانی نیست.
* پروردگارا! ما شنیدیم که ندا دهنده به ایمان فرا می‌خواند، که: «به
پروردگار خود ایمان بیاورید» پس ایمان آوردیم، پروردگارا! پس گناهان
ما را ببخش، و بدی‌های ما را بپوشان، و ما را با نیکان بمیران. *
پروردگارا! آنچه را که بر (زبان) فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا
کن، و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، بدرستی که تو خلاف وعده
نمی‌کنی.»

﴿رَبَّنَا ءَامِنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِيمِينَ ﴿١٠٩﴾﴾ [المؤمنون: ۱۰۹].
«پروردگارا! (ما) ایمان آوردیم، پس ما را ببخش و بر ما رحم کن، و تو
بهترین رحم‌کنندگانی.»

﴿رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ
مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾﴾ [الفرقان: ۶۵-۶۶].

«پروردگارا! عذاب جهنم را از ما برطرف کن، بی‌تردید عذابش (سخت و)
پایدار است. (۶۵) بی‌گمان آن (جهنم) بد قرارگاه و (بد) اقامت‌گاهی
است.»

﴿رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا﴾

﴿۷۴﴾ [الفرقان: ۷۴] «پروردگارا! از همسران مان، و فرزندان مان مایه روشن چشم به ما عطا فرما، و ما را برای پرهیزگاران پیشوا قرار بده».

﴿رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُثَبِّتُ إِلَيْكَ وَإِيَّيَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾

﴿۱۵﴾ [الأحقاف: ۱۵].

«پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمت را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم و کار شایسته انجام دهم که تو از آن خشنود شوی، و فرزندانم را صالح گردان، بی‌گمان من به سوی تو بازگستم (و توبه نمودم)، و بی‌شک من از مسلمانانم».

﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ [الحشر: ۱۰].

«پروردگارا! ما را و برادران مان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند ببامرز، و در دل‌های مان کینه نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند قرار مده، پروردگارا! بی‌گمان تو رؤوف و مهربانی».

﴿رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَأَنْتُمْ لَنَا نُورٌ وَأَغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ [التحریم: ۸].

«پروردگارا! نور ما را به تمام (و کمال) برسان، و ما را ببامرز بی‌گمان تو بر هر چیز توانایی».

﴿رَبَّنَا إِنَّا ءِامَنَّا فَآغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾ [آل‌عمران: ۱۶].

«پروردگارا! به راستی ما ایمان آورده‌ایم، پس گناهان ما را ببامرز، و ما را از عذاب آتش نگاه دار».

﴿رَبَّنَا ءِامَنَّا فَآكُتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾ [المائدة: ۸۳].

«پروردگارا! ایمان آوردیم، پس ما را در زمره گواهان بنویس.»

﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ إِلَّا صَنَامًا﴾ [ابراهیم:

۳۵] «پروردگارا! این شهر (مکه) را مکان امن قرار بده، و مرا و فرزندانم را از آنکه بت‌ها را پرستش کنیم دور بدار.»

﴿رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ [القصص: ۲۴].

«پروردگارا! من هر خیری که بر من بفرستی نیازمند هستم.»

﴿رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ﴾ [العنکبوت: ۳۰].

«پروردگارا! مرا بر قوم مفسدان یاری فرما.»

﴿حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ﴾

[التوبة: ۱۲۹]

«الله برای من کافی است، هیچ معبودی (به حق) جز او نیست، بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش عظیم است.»

﴿عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ [القصص: ۲۲].

«امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.»

﴿رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۲۱].

«پروردگارا! مرا از قوم ستمکار نجات بده.»

دعاهای مسنونہ

۱- «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».
«خدایا! در دنیا و در آخرت به ما حسنه و نیکی عطا کن و مرا از عذاب آتش نجات ده»^۱.

۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ النَّارِ وَعَذَابِ النَّارِ، وَفِتْنَةِ الْقَبْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْعَنَى، وَشَرِّ فِتْنَةِ الْفَقْرِ».
«خدایا! به تو پناه می‌برم از فتنه جهنم و عذاب جهنم، فتنه قبر، و عذاب قبر، و شرّ فتنه ثروتمندی، و شرّ فتنه فقر».

۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ قَلْبِي بِمَاءِ الثَّلْجِ وَالْبَرْدِ، وَنَقِّ قَلْبِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَبَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْمَأْثِمِ وَالْمَغْرَمِ».

«خدایا! از شرّ فتنه دجال به تو پناه می‌جویم، خدایا درونم را با آب برف و تگرگ شستشو ده، و همچنان که لباس و پارچه سفید را از آلودگی پاک نموده‌ای درونم را نیز از خطایا پاک کن، همانطور که میان مشرق و مغرب فاصله ایجاد کرده‌ای میان من و خطاهایم نیز

دوری و فاصله به وجود آور. خدایا! من از کسالت و گناه و زیان به تو پناه می‌برم»^۱.

۴- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْهَرَمِ، وَالْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ».

«خدایا من از ناتوانی و ضعف و ترسویی و پیری و بخل‌ورزی به تو پناه می‌برم و از عذاب قبر و از فتنه و امتحان زنده شدن و مردن به تو پناه می‌آورم»^۲.

۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ، وَدَرَكِ الشَّقَاءِ، وَسُوءِ الْقَضَاءِ، وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ».

«خدایا! من از فشار مصیبت و رسیدن به شقاوت و بدبختی و عاقبت شری و کینه‌توزی دشمنان به تو پناه می‌آورم».

۶- «اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَايِشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي فِيهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ».

«خدایا! دینم را که سبب لغزش‌ناپذیری در زندگی است و دنیایم را که معیشتم در آن است اصلاح کن و آخرتم را که معادم در آن قرار گرفته است اصلاح کن، و زندگی و حیاتم را در تمام خیر و نیکی افزایش ده و مرگ را برایم از هر شرّ و سختی دیگر آسان‌تر کن»^۳.

۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى، وَالتَّقَى، وَالْعُفَافَ، وَالْغِنَى».

۱- بخاری، ۵۹/۷ و مسلم ۲۰۷۷۴.

۲- بخاری، ۱۵۵/۷ و مسلم ۲۰۸۰/۴.

۳- مسلم، ۲۰۸۷/۴.

«خدایا! هدایت و پرهیزگاری و عفت و بی‌نیازی را از تو می‌طلبم»^۱.

۸- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَرَزَقَهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ رَزَقَهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ دَعْوَةٍ لَا يُسْتَجَابُ لَهَا».

«خدایا! از ضعف و کسالت و ترسویی و بخل‌ورزی و پیری و عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! تقوای لازم را به نفسم عطا بخش، و آن را تزکیه و پرورش ده تو بهترین کسی هستی که آن را پاک و تزکیه می‌نمائی، تو سرپرست و صاحب آن می‌باشی خدایا من از علم بی‌سود و فایده و از قلب بی‌خشوع و از نفس سیرناپذیر و دعای بی‌جواب به تو پناه می‌آورم»^۲.

۹- «اللَّهُمَّ اهْدِنِي وَسَدِّدْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْهُدَى وَالسَّادَاتِ».

«خدایا! مرا هدایت و محکم کن، خدایا! هدایت و استحکام را از تو می‌طلبم»^۳.

۱۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِكَ، وَتَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ، وَفُجَاءَةِ نِقْمَتِكَ، وَجَمِيعِ سَخَطِكَ».

«خدایا! از زایل شدن نعمت تو و از بین رفتن تندرستی تو، و ناگاه گرفتن عذابت و تمام خشم‌هایت به تو پناه می‌آورم».

۱۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ، وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ».

۱- مسلم، ۴/۲۰۸۷.

۲- مسلم، ۴/۲۰۸۸.

۳- مسلم، ۴/۲۰۹۰.

«خدایا از شر آنچه انجام داده‌ام و از شر آنچه را که انجام نداده‌ام به تو پناه می‌جویم»^۱.

۱۲- «اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالِي، وَوَلَدِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِي» (وَأَطْلِحْ حَيَاتِي عَلَى طَاعَتِكَ، وَأَحْسِنْ عَمَلِي، وَاعْفِرْ لِي).

«خدایا به مال و فرزندم فزونی بخش و در آنچه که به من داده‌ای برکت قرار ده^۲ و حیاتم را بر طاعت خود طولانی کن و کردارم را نیک گردان و مرا ببخشای»^۳.

۱۳- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ».

«نیست معبودی به حقی جز خداوند جلیل و بردبار هیچ معبود به حق جز خداوند پروردگار عرش عظیم نیست هیچ معبودی جز خداوند پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش بلندمرتبه نیست»^۴.

۱۴- «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

«خدایا رحمت تو را می‌خواهم لحظه مرا به نفسم واگذار مکن و تمام حالاتم را اصلاح کن معبود به حقی جز تو نیست».

۱۵- «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

«هیچ معبود به حقی جز تو نیست پاک و منزهی من از ستم‌کنندگانم».

۱- مسلم، ۲۰۹۷/۴.

۲- بخاری، ۱۵۴/۷ و مسلم، ۱۹۲۸/۴.

۳- بخاری، ۱۵۴/۷ و مسلم، ۲۰۹۲/۴.

۴- ابوداود، ۲۲۴/۴، و احمد، ۴۳۱، و آل‌بانی آن را حسن دانسته است.

۱۶- «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، مَا ضِيَ فِي حُكْمِكَ، عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمِيَتْ بِهِ نَفْسِكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رِيْعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي».

«خدایا! من بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو می باشم. تحت سلطه و قدرت تو می باشم. حکم تو در مورد من قطعی است، و قضاوتت درباره ام عادلانه است و تو را با هر نامی که خود را به آن خوانده ای و یا در کتاب خود نازل فرموده ای یا آن را به هر کسی از مخلوق خود یاد داده ای و یا هر نامی که در علم غیب برای خود اختصاص داده ای درخواست و طلب می نمایم اینکه قرآن را بهار درون و نور سینه ام و بیرون راندن اندوه و بردن رنج و غصه ام قرار دهی»^۱.

۱۷- «اللَّهُمَّ مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا عَلَى طَاعَتِكَ».

«خدایا! ای دگرگون کننده دلها! قلبهای ما را بر طاعت خود دگرگون فرما»^۲.

۱۸- «يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ».

«ای دگرگون کننده دلها! قلبم را بر دینت استوار نما»^۳.

۱۹- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا، وَالْآخِرَةِ».

۱- احمد، ۳۹۱/۱، ۴۵۲ و حاکم، ۵۰۹/۱.

۲- مسلم، ۲۰۴۵/۴.

۳- ترمذی، ۵۳۸/۵ و احمد، ۱۸۲/۴ و حاکم، ۵۲۵/۱ و ۵۲۸ و صحیح الجامع، ۳۰۹/۶، و

ترمذی، ۱۷۱/۳.

«پروردگارا! تندرستی در دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم».

۲۰- «اللَّهُمَّ أَحْسِنْ عَاقِبَتَنَا فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، وَأَجِرْنَا مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الآخِرَةِ». «خدایا! فرجام تمام کارهایمان را نیک گردان، و از خواری دنیا و عذاب آخرت مرا دور بدار».

۲۱- «رَبِّ أَعِنِّي وَلَا تُعِنِّ عَيِّي، وَانصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَيِّي، وَامْكُرْ لِي وَلَا تَمْكُرْ عَلَيَّ، وَاهْدِنِي وَسِّرِ الْهُدَى إِلَيَّ، وَانصُرْنِي عَلَى مَنْ بَعَى عَلَيَّ، رَبِّ اجْعَلْنِي لَكَ شَكَرًا، لَكَ ذَكَرًا، لَكَ رَهَابًا، لَكَ مِطْوَاعًا، إِلَيْكَ مُحِبًّا أَوْهَاً مُنِيبًا، رَبِّ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَاغْسِلْ حَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَثَبِّتْ حُجَّتِي، وَاهْدِ قَلْبِي، وَسَدِّدْ لِسَانِي، وَأَسْأَلُ سَخِيمَةَ قَلْبِي».

«پروردگار من، مرا یاری نما و بر علیه من یاری و کمک نفرما و مرا پیروز گردان و بر من پیروز مگردان، برای من چاره کن و بر علیه من حيله نكن. و مرا هدایت ده و هدایت را به سوی من هموار کن، و مرا بر آن که بر من تجاوز کرده است پیروز گردان و پروردگارا مرا برای خود بسی شکرگزار و بسی ذاکر و بسی ترسان و بسی اطاعت‌کننده قرار ده، و به سوی تو فروتن و نالان و رجوع‌کننده باشم، پروردگار من! توبه‌ام را بپذیر، لغزش و گناهم را بشوی، و دعایم را اجابت کن، و حجت‌م را استوار و محکم نما، و قلبم را هدایت کن، زبانم را هدایت کن، دوده و کینه درونم را بیرون ببار»^۱.

۱- ابوداود، ۸۳/۲ و ترمذی، ۵۵۴/۵ و ابن ماجه، ۱۲۵۹/۲، و حاکم آن را صحیح دانسته و ذهبی نیز با آن موافق بوده و به صحیح الترمذی، ۱۷۸/۳ مراجعه شود و احمد، ۱۲۷/۱.

۲۲- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ ﷺ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ نَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ ﷺ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، وَعَلَيْكَ الْبَلَاغُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

«خدایا! ما از خیر آنچه که پیامبرت محمد ﷺ از تو خواسته است درخواست می‌نمائیم، از شر آنچه که پیامبرت محمد ﷺ به تو پناه بسته است پناه می‌جوئیم، و تو کسی هستی که از تو استعانت می‌کنند، هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خدا نیست».

۲۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ سَمْعِي، وَمِنْ شَرِّ بَصَرِي، وَمِنْ شَرِّ لِسَانِي، وَمِنْ شَرِّ قَلْبِي، وَمِنْ شَرِّ مَنِيَّ».

«خدایا! از شر گوش، چشم، زبان، قلب، خواسته و سرنوشتم به تو پناه می‌برم».

۲۴- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُدَامِ، وَمِنْ سَيِّئِ الْأَسْقَامِ».

«خدایا! از دچار شدن به بیماری برص (بیسی) و دیوانگی و جذام (خوره) و از بیماری‌های پلید به تو پناه می‌برم».

۲۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَعْمَالِ، وَالْأَهْوَاءِ».

«خدایا! از اخلاق و کردار و آرزوهای ناپسند به تو پناه می‌جویم».

۲۶- «اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَفُوٌّ كَرِيمٌ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنِّي».

«خدایا! بی‌گمان تو بسی بخشنده و بلندمرتبه‌ای عفو و بخشش را دوست می‌داری پس مرا عفو کن»^۱

۲۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ، وَتَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ، وَحُبَّ الْمَسَاكِينِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي، وَتَرْحَمَنِي، وَإِذَا أَرَدْتَ فِتْنَةً قَوْمٍ فَتَوَفَّنِي غَيْرَ مَفْتُونٍ، وَأَسْأَلُكَ حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَحُبَّ عَمَلٍ يُقَرِّبُنِي إِلَى حُبِّكَ».

«خدایا! انجام نیکی‌ها و ترک ناروایی‌ها و دوستی بی‌نویان را از تو درخواست می‌نمایم. و از تو می‌خواهم که مرا ببخشید و به من رحم نمائید و هرگاه اراده عذاب و ضلالت قومی را نمودی مرا بدون عذاب و محنت بمیران، عشق و علاقه به تو و حب آنکه تو را دوست می‌دارد و عشق به کرداری که مرا به سوی دوستی تو نزدیک گرداند از تو خواستارم»^۱.

۲۸- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ: عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ، مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ عَبْدُكَ وَتَبِيُّكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ شَرِّ [مَا اسْتَعَاذَ بِكَ] [مِنْهُ] عَبْدُكَ وَتَبِيُّكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ، وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ وَمَا قَرَّبَ إِلَيْهَا مِنْ قَوْلٍ أَوْ عَمَلٍ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ كُلَّ قَضَاءٍ قَضَيْتَهُ لِي خَيْرًا».

«خدایا! تمام خیر دنیا و آخرت آنچه را از آن آگاهم و آنچه را که از آن آگاه نیستم از تو خواهانم. و از شر دنیا و آخرت و آنچه که از آن آگاهی یافته و یا آگاهی نیافته‌ام به تو پناه می‌برم. خدایا! از خیر آنچه بنده و پیامبرت محمد ﷺ از تو جسته است را خواهانم، و از شر آنچه که پیامبرت محمد ﷺ از آن به تو پناه جسته است، پناه می‌آورم. خدایا! بهشت و گفتار و کردارهایی که بدان «مرا به تو»

نزدیک می‌کند را خواستارم و از آتش و گفتار و کرداری که بدان «مرا به جهنم» نزدیک می‌نماید به تو پناه می‌برم، و از تو تقدیر و سرنوشت خیر و نیکی را خواهانم»^۱.

۲۹- «اللَّهُمَّ احْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَائِمًا، واحْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ قَاعِدًا، واحْفَظْنِي بِالْإِسْلَامِ رَاقِدًا، وَلَا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَلَا حَاسِدًا. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ خَزَائِنُهُ بِيَدِكَ».

«خدا! در حالت ایستاده و نشسته و خوابیده مرا با اسلام حفظ نما و دشمن و حسود را به من شاد و مسرور نگردان. خدایا! تمام خیرها را که خزانه آن در دست توست از تو می‌طلبم و از شرهایی که خزائن آن در دست توست پناه می‌برم»^۲.

۳۰- «اللَّهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا تَحُولُ بِهِ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعَاصِيكَ، وَمِنْ طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ جَنَّتِكَ، وَمِنْ الْيَقِينِ مَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيْنَا مَصَائِبَ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ مَتَّعْنَا بِأَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُوَاتِنَا مَا أَحْيَيْتَنَا، وَاجْعَلْهُ الْوَارِثَ مِنَّا، وَاجْعَلْ ثَأْرَنَا عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا، وَانصُرْنَا عَلَى مَنْ عَادَانَا، وَلَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا، وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِنَا، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا».

«خدا! از حیث خود آنچه که ما را از گناه و معاصی تو باز می‌گرداند و از یقین آنچه که با آن گرفتاری‌های دنیا بر ما سبک آید، و از طاعت آنچه که ما را به بهشت تو نایل گرداند نصیب‌مان فرما، خدایا!

۱- ابن ماجه، ۱۲۶۴/۲ و احمد ۱۳۴/۶، ذهبی، ۵۲۱/۱، ابن ماجه، ۳۲۷/۲.

۲- حاکم، ۵۲۵/۱، صحیح الجامع، ۳۹۸/۲ والأحادیث الصحیحة، ۵۴/۴، شماره ۱۵۴۰.

تا وقتی که ما را زنده نگه داشته‌ای ما را از گوش و چشم و توانایی‌های مان برخوردار کن، انتقام ما را بر کسی که به ما ستم نموده قرار ده و ما را بر کسی که با ما عداوت و دشمنی نموده و گرفتاری مان را در دین مان قرار نده، دنیا را بزرگ‌ترین هدف و دغدغه ما قرار نده. کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مگردان»^۱.

۳۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْذَلِ الْعُمُرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الدُّنْيَا وَعَذَابِ الْقَبْرِ»
«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَجَهْلِي، وَإِسْرَافِي فِي أَمْرِي، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي هَزْلِي، وَجِدِّي، وَخَطِيئِي، وَعَمْدِي، وَكُلَّ ذَلِكَ عِنْدِي».

«خداوندا! از ترسویی به تو پناه می‌برم و از بخل به تو پناه می‌برم و از پیری به تو پناه می‌جویم و از فتنه دنیا و عذاب قبر به تو پناه می‌برم.^۲ خدایا! گناه عمدی، نادانی و زیاده‌روی در گناه و آنچه که تو از من به آن آگاه‌تری مورد بخشش قرار ده. خداوندا! گناهی را که با شوخی و جدی و اشتباهی و عمدی از من سر زده است و تمام گناهانی که دارم برای من ببخشای»^۳.

۳۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْمًا كَثِيرًا، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ».

۱- ترمذی، ۵۲۸/۵، حاکم، ۲۵۸/۱، ابن سنی، شماره ۴۴۶.

۲- بخاری، با فتح الباری، ۱۸۱/۱۱.

۳- بخاری، با فتح الباری، ۱۹۶/۱۱.

«خدایا! ظلم و ستم فراوانی به خود کرده‌ام جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد از مغفرت خود مرا مورد بخشش قرار ده و به من رحم کن. بی‌گمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی»^۱.

۳۳- «اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَإِلَيْكَ أُنْتُبْتُ، وَبِكَ خَاصَمْتُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعِزَّتِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُضِلَّنِي، أَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَيُّ وَالْإِنْسُ يَمُوتُونَ».

«خدایا! برای تو سر تسلیم فرود آوردم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم و به سوی تو برگشتم و به تو اقامه دعوی نموده‌ام، خدایا! از این که مرا گمراه گردانی پناه می‌برم قسم به عظمت هیچ معبود به حقی نیست جز تو، تو زنده هستی که نمی‌میرد و جن و انس می‌میرند».

۳۴- «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ، وَالْفَوْزَ بِالْحِجَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ».

«خدایا! ما موجبات رحمتت را و اراده غفرانت و دوری و سلامت از هر گناهی و بهره بردن از هر نیکی و دستیابی به بهشت و نجات از آتش جهنم را از تو طلب می‌کنیم»^۲.

۳۵- «اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوْسَعَ رِزْقِكَ عَلَيَّ عِنْدَ كِبَرِ سِنِّي وَأَنْقِطَاعِ عُمْرِي».

«خدایا! فراوان‌ترین روزیات را هنگام پیری و خاتمه‌یافتن عمرم بر من قرار ده»^۳.

۳۶- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي، وَوَسِّعْ لِي فِي دَارِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا رَزَقْتَنِي».

۱- بخاری، ۳۰۴/۱، و مسلم، ۲۰۷۸/۴.

۲- حاکم، ۵۲۵/۱، اذکار نووی، ص ۳۴۰.

۳- حاکم، ۵۲۴/۱، صحیح الجامع ۳۶۹۱/۱، الأحادیث الصحیحة ۱۵۳۹.

«خدایا! گناہم را ببخش، و سراییم را وسعت بخش، و در روزیم برکت قرار ده»^۱.

۳۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ؛ فَإِنَّهُ لَا يَمْلِكُهَا إِلَّا أَنْتَ». «خدایا! از فضل و رحمت از تو می‌طلبم جز تو کسی بر آن مالک نیست».

۳۸- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَرَمِ، وَالتَّرَدِّي، وَالْهَدْمِ، وَالْعَمِّ، وَالْغَرَقِ، وَالْحَرَقِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ يَتَخَبَّطَنِي الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ فِي سَبِيلِكَ مُدْبِرًا، وَأَعُوذُ بِكَ أَنْ أَمُوتَ لِدَيْعًا».

«خدایا! از لغزیدن و هلاک شدن و غرق شدن و سوزاندن به تو پناه می‌آورم، و از اینکه شیطان هنگام مرگ سرگردانم کند به تو پناه می‌آورم و از اینکه در راه تو با حالت پشت‌کننده و برگرداننده بمیرم به تو پناه می‌آورم و از اینکه هنگام مرگ با حالت رنجانده و گزیده بمیرم به تو پناه می‌جویم».

۳۹- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُوعِ؛ فَإِنَّهُ يَبْسُ الضَّجِيعِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْخِيَانَةِ؛ فَإِنَّهَا يَبْسُ الْبِطَانَةَ».

«خدایا! از گرسنگی به تو پناه می‌آورم، بی‌شک او همیستر ناشایست و بدی است و از خیانت به تو پناه می‌آورم همانا آن جامهٔ بدی است».

۴۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ، وَالْكَسَلِ، وَالْجُبْنِ، وَالْبُخْلِ، وَالْهَرَمِ، وَالْقَسْوَةِ، وَالْغَفْلَةِ، وَالْعَيْلَةِ، وَالذَّلَّةِ، وَالْمَسْكَنَةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَالْكَفْرِ، وَالْفُسُوقِ، وَالشَّقَاقِ، وَالتَّفَاقِ، وَالسُّمْعَةِ، وَالرِّيَاءِ، وَأَعُوذُ

بِكَ مِنَ الصَّمَمِ، وَالْبَكَمِ، وَالْجُنُونِ، وَالْجُدَامِ، وَالْبَرَصِ، وَسَيِّئِ الْأَسْقَامِ».

«خدایا! از درماندگی، کاهلی، ترسویی، خست، کهولت، قساوت و سنگدلی، غفلت، تنگدستی، خواری، بی‌نوایی، به تو پناه می‌جویم و از فقر، کفر، هرزگی، تفرقه، نفاق، بی‌آبرویی و ریا به تو پناه می‌آورم، و از کوری، لالی، دیوانگی، جذام، پیسی و بیماری‌های بدخیم به تو پناه می‌آورم»^۱.

۴۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، [وَالْفَاقَةِ] وَالْقِلَّةِ، وَالذَّلَّةِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ».

«خدایا! از فقر، تنگدستی، و خواری به تو پناه می‌آورم و از اینکه ستم کنم و یا مورد ستم قرار گیرم به تو پناه می‌آورم»^۲.

۴۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ؛ فَإِنَّ جَارَ الْبَادِيَةِ يَتَحَوَّلُ». «خدایا! از همسایه بد در سرای جاویدان به تو پناه می‌برم، بی‌گمان همسایه صحرا (دنیا) به پایان می‌رسد»^۳.

۴۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَحْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَمِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوْلَاءِ الْأَرْبَعِ».

۱- حاکم، بیهقی، و صحیح الجامع (۴۰۶/۱) و إرواء الغلیل شماره ۸۵۲.

۲- نسائی و ابوداود ۹۱/۲ و نگا: صحیح النسائی ۱۱۱۱/۳ و صحیح الجامع ۴۰۷/۱.

۳- حاکم ۵۳۲/۱ و ذهبی آن را صحیح دانسته است، صحیح الجامع ۴۰۸/۱ و صحیح النسائی ۱۱۱۸/۳.

«خدایا! از قلب بی‌خشوع و از علم بی‌ثمر و از دعاهای بی‌جواب و از نفس سیرنشدنی به تو پناه می‌جویم، از این چهار شیء به تو پناه می‌جویم».

۴۴- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمِ السُّوءِ، وَمِنْ لَيْلَةِ السُّوءِ، وَمِنْ سَاعَةِ السُّوءِ، وَمِنْ صَاحِبِ السُّوءِ، وَمِنْ جَارِ السُّوءِ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ».

«خدایا! من به تو از روز بد، شب بد، ساعت (وقت) بد، رفیق سوء، همسایه ناشایست در سرای باقی و جاویدان به تو پناه می‌برم».

۴۵- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ». (ثَلَاثَ مَرَّاتٍ)

«خدایا! جنت را از تو می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌آورم».

(۳ بار)

۴۶- «اللَّهُمَّ فَهِّبْنِي فِي الدِّينِ».

«خدایا! در دین آگاهم کن»^۱.

۴۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْرِكَ بِكَ وَأَنَا أَعْلَمُ، وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا لَا أَعْلَمُ».

«خدایا! از اینکه آگاهانه به تو شرک بورزم به تو پناه می‌آورم و از آنچه هم که ناآگاهانه باشد به تو پناه می‌آورم»^۲.

۴۸- «اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي، وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي، وَزِدْنِي عِلْمًا».

«خدایا! به آنچه که به من یاد داده‌ای نفع برسانم، و آنچه به من سودی رساند مرا بیاموز، و علم مرا بیفزای».

۱- طبرانی و هیثمی در مجموع زوائد، ۱۴۴/۱۰ گفته است رجال این حدیث رجال صحیح‌اند. نگاه: صحیح الجامع، ۴۱۱/۱.

۲- به روایت احمد، ۴۰۳/۴ و غیره، نگاه: صحیح الترغیب والترهیب، ناصر الدین آلبنی، ۱۹/۱.

۴۹- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا طَيِّبًا، وَعَمَلًا مُتَقَبَّلًا».

«خدایا! من از تو علم سودمند، روزی حلال و عمل پذیرفته شده مسألت می‌نمایم».

۵۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ بِأَنَّكَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغُفُورُ الرَّحِيمُ».

«خدایا! ای یگانه یکتا! بی‌نیازی که نزاده است و زاده نشده است و کسی هم‌تا و هم‌گون او نمی‌باشد از تو می‌خواهم که گناهانم را ببخشایی، بی‌گمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی».

۵۱- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ [وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ] الْمَنَانُ [يَا] بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ».

«خدایا! از تو می‌خواهم که حمد و سپاس خاص توست، هیچ معبود بحق جز تو نیست [تنهایی و تو را شریکی نیست]، ای صاحب شکوه و کرامت! ای زنده باقی پایدار! من از تو بهشت را می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌برم».

۵۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَحَدُ، الصَّمَدُ، الَّذِي لَمْ يَلِدْ، وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

«خدایا! از تو درخواست می‌کنم به اینکه من گواهی می‌دهم که تو خدایی، معبود به حق جز تو نیست. یگانه و بی‌نیازی که نزاده است و زاده نشده است و کسی هم‌تا و هم‌گون او نمی‌باشد».

۵۳- «رَبِّ اغْفِرْ لِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الْغُفُورُ».

«پروردگارا! مرا ببخش، و توبه‌ام را بپذیر، بی‌گمان تو بسی توبه‌پذیر و بسی بخشنده‌ای»^۱.

۵۴- «اللَّهُمَّ بِعِلْمِكَ الْغَيْبِ، وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ، أَحْيَيْنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا عَلِمْتَ الْوَفَاةَ خَيْرًا لِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، وَأَسْأَلُكَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَأَسْأَلُكَ الْقُصْدَ فِي الْعَنَى وَالْفَقْرِ، وَأَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَنْفَدُ، وَأَسْأَلُكَ قُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقَطِعُ، وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ، وَأَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَأَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَالشَّوْقَ إِلَى لِقَائِكَ، فِي غَيْرِ صَرَاءٍ مُضِرَّةٍ، وَلَا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ، اللَّهُمَّ زَيِّنَا بِزِينَةِ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْنَا هُدَاةً مُهْتَدِينَ». «خداوندا! با علم غیب خود و قدرتت بر خلق، تا وقتی که می‌دانی که حیات برای من خیر است زنده‌ام نگه‌دار و هرگاه دانستی، مرگ برایم خیر است مرا بمیران، خداوندا! ترس و خشیت تو را در نهان و آشکار مسألت می‌کنم و در حال غضب و شادی رعایت گفتن حق را از تو طلب می‌نمایم و میان‌روی در بی‌نیازی و تهیدستی از تو می‌خواهم و از تو نعمتی می‌خواهم که تمام شدنی نباشد، و از تو لذتی می‌خواهم که بی‌وقفه و پیوسته باشد، و بعد از آمدن گرفتاری رضایت را از تو می‌طلبم، خدایا بعد از مرگ، آرامش زندگی را از تو می‌خواهم، خدایا! لذت نگاه به وجه و سیمایت و شوق لقای تو را بدون اینکه در فلاکت زیربنایی و فتنه گمراه‌کننده بیفتم

۱- ابو داود، ۷۹/۲ و ترمذی، ۵۱۵/۵ و ابن ماجه، ۱۲۶۷/۲ و احمد، ۳۶۰/۵ - و سنن الترمذی ۱۶۳/۳.

از تو خواهانم، خدایا! مرا به زینت و زیبایی ایمان آراسته گردان، و ما را جزء راهنمایان هدایت یافته قرار ده»^۱.

۵۵- «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ، وَحُبَّ مَنْ يَنْفَعُنِي حُبُّهُ عِنْدَكَ، اللَّهُمَّ مَا رَزَقْتَنِي مِمَّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ قُوَّةً لِي فِيمَا أُحِبُّ، اللَّهُمَّ مَا رَزَوْتِ عَنِّي مِمَّا أُحِبُّ فَاجْعَلْهُ فَرَاغًا لِي فِيمَا أُحِبُّ».

«خدایا! دوستی و حبّ خود و حبّ کسی که دوستی او نزد تو به من سود رساند نصیبم کن، خداوندا! از دوستی‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای آن را برای من سبب قوّت بخشیدن به آنچه که تو دوست می‌داری قرار ده، خدایا! آنچه را که من دوست می‌دارم و آن را از من پنهان و مخفی داشته‌ای آن را در تکمیلِ حبّ آنچه که دوست می‌داری برای من قرار ده»^۲.

۵۶- «اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنْهَا كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ طَهِّرْنِي بِالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ وَالْمَاءِ الْبَارِدِ».

«خدایا! از گناه و خطاها پاکم گردان، خدایا! از آن‌ها پاکم کن همچنان که جامه سفید از چرک پاک می‌گردد، خدایا! با برف و تگرگ و آب خنک پاکم گردان»^۳.

۵۷- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْبُخْلِ، وَالْجُبْنِ، وَسُوءِ الْعُمُرِ، وَفِتْنَةِ الصَّدْرِ، وَعَذَابِ الْقَبْرِ».

«خدایا! از بخل و ورزیدن و ترسویی و عمر بد، و فتنه قلب و عذاب قبر به تو پناه می‌برم»^۱.

۱- النسائی، ۵۴/۳، ۵۵ و احمد ۳۶۴/۴، صحیح النسائی، ۲۸۰/۱ و ۲۸۱/۱.

۲- ترمذی، ۵۲۳/۵ و جامع الأصول، تحقیق: عبدالقادر أرناؤوط ۳۴۱/۴.

۳- نسائی، ۱۹۸/۱ و ۱۹۹، و ترمذی، ۵۱۵/۵، صحیح سنن النسائی ۸۶/۱.

۵۸- «اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ، وَمِيكَائِيلَ، وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ حَرِّ النَّارِ، وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ».

«خدايا! ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و پروردگار اسرافیل! از گرمای سوزان جهنم و از عذاب قبر به تو پناه می‌آورم»^۱.

۵۹- «اللَّهُمَّ أَلْهِمْنِي رُشْدِي، وَأَعِزَّنِي مِنْ شَرِّ نَفْسِي».

«خدايا! طریق هدایت‌م را به من نشان ده، و از شر نفسم پناهم ده».

۶۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ».

«خدايا! علم سودمند را از تو درخواست می‌نمایم و از علم بی‌سود و ثمر به تو پناه می‌برم».

۶۱- «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ [السَّبْعِ] وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالنَّوَى، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْفُرْقَانِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ، اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ».

«خدايا! ای پروردگار آسمان‌های [هفتگانه] و پروردگار زمین و عرش والا! پروردگار ما و پروردگار تمام اشیاء، شکافنده و رویاننده دانه و هسته و فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن؛ از شر هر چیزی که در پنجه قدرت توست به تو پناه می‌آورم، خدايا! ای نخستین هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و ای واپسین هستی که بعد از تو چیزی

۱- نسائی، ۲۵۵/۸ و ابوداود، ۹/۲، جامع الأصول ۳۶۳/۴.

۲- نسائی، ۲۷۸/۸ و صحیح نسائی ۱۱۲۱/۳.

نیست و تو نمایانی هستی که چیزی تو را نمی‌پوشاند و نهانی هستی که نهان‌تر از تو چیزی نیست؛ دَئِن و بدهی را از ما ادا کن و ما را از فقر بی‌نیاز گردان»^۱.

۶۲- «اللَّهُمَّ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِنَا، وَأَصْلِحْ ذَاتَ بَيْنِنَا، وَاهْدِنَا سُبُلَ السَّلَامِ، وَنَجِّنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ، وَجَنِّبْنَا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي أَسْمَاعِنَا، وَأَبْصَارِنَا، وَقُلُوبِنَا، وَأَرْوَاجِنَا، وَذُرِّيَّاتِنَا، وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَاجْعَلْنَا شَاكِرِينَ لِعَمَلِكَ مُثْنِينَ بِهَا عَلَيْكَ، قَابِلِينَ لَهَا، وَأَتِمِّمَهَا عَلَيْنَا». «خدایا! میان دل‌هایمان الفت به وجود بیاور و اختلاف و ناسازگاری‌های مان را اصلاح کن، و به راه‌های صلح و دوستی هدایت و راهنمای مان فرما، و از تاریکی‌ها به طرف نور و روشنایی نجات مان ده. خدایا! ناهنجاری‌های آشکار و پوشیده را از ما دور گردان و به شنیداری و بینایی و درونها و همسرانمان و نسل‌های مان برکت عنایت فرما و توبه را از ما بپذیر، بی‌شک تو بسی توبه‌پذیر و مهربان هستی، ما را سپاس‌گزار نعمت‌هایت و ثناگویت و پذیرنده نعمت‌هایت قرار ده و آن‌ها را بر ما به اتمام رسان»^۲.

۶۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْمَسْأَلَةِ، وَخَيْرَ الدُّعَاءِ، وَخَيْرَ التَّجَاجِحِ، وَخَيْرَ الْعَمَلِ، وَخَيْرَ الثَّوَابِ، وَخَيْرَ الْحَيَاةِ، وَخَيْرَ الْمَمَاتِ، وَتُبَّتْنِي، وَنَقَّلْ مَوَازِينِي، وَحَقَّقْ إِيْمَانِي، وَارْفَعْ دَرَجَاتِي، وَتَقَبَّلْ صَلَاتِي، وَاعْفِرْ

۱- مسلم، ۲۰۸۴/۴ به روایت ابوهریره رضی الله عنه.

۲- به روایت حاکم و گفته صحیح است بر شرط مسلم و ذهبی با او موافق است،

حَطِیَّتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ الْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فَوَاتِحَ
 الْحَبْرِ، وَخَوَاتِمَهُ، وَجَوَامِعَهُ، وَأَوَّلَهُ، وَظَاهِرَهُ، وَبَاطِنَهُ، وَالدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ
 الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا آتَى، وَخَيْرَ مَا أَفْعَلُ، وَخَيْرَ مَا أَعْمَلُ،
 وَخَيْرَ مَا بَطَّنَ، وَخَيْرَ مَا ظَهَرَ، وَالدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي
 أَسْأَلُكَ أَنْ تَرْفَعَ ذِكْرِي، وَتَضَعِ وِزْرِي، وَتُصْلِحَ أَمْرِي، وَتُطَهِّرَ قَلْبِي،
 وَتُحْصِنَ فَرْجِي، وَتُنَوِّرَ قَلْبِي، وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ
 الْجَنَّةِ آمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ فِي نَفْسِي، وَفِي سَمْعِي، وَفِي بَصَرِي،
 وَفِي رُوحِي، وَفِي خَلْقِي، وَفِي حُلُقِي، وَفِي أَهْلِي، وَفِي مَحْيَايَ، وَفِي مَمَاتِي، وَفِي
 عَمَلِي، فَتَقَبَّلَ حَسَنَاتِي، وَأَسْأَلُكَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَا مِنَ الْجَنَّةِ آمِينَ».

«خدایا بهترین درخواست و بهترین دعا و بهترین موفقیت، بهترین عمل،
 بهترین ثواب، بهترین حیات و بهترین مرگ را از تو درخواست می‌نمایم، و
 مرا استوار گردان، ترازوی نیکی‌هایم را سنگین گردان و ایمانم را ثابت
 گردان و درجاتم را رفیع گردان و دعا و نمازم را بپذیر و خطایم را ببخش
 و درجات عالیہ بهشت را از تو درخواست می‌نمایم. خدایا! آغازهای خیر و
 خاتمه‌های آن و اول و آشکار و پنهان آن را و درجات عالیہ بهشت را از
 تو درخواست می‌نمایم [بپذیر و اجابت نما] خداوند خدایا! بهترین آنچه
 که می‌آورم و بهترین آنچه که انجام می‌دهم و به آن می‌پردازم و بهترین
 آنچه که پنهان و نمایان است و درجات بلند بهشت را از تو درخواست
 می‌نمایم (آمین) اجابت کن ای خداوند. خدایا! از تو می‌خواهم که نامم را
 رفیع گردانی و بار سنگین گناهم را فرو نهی، و حالم را نیک گردانی و
 درونم را پاک نمائی و دامنم را از آلودگی حفظ کنی و قلبم را منور
 گردانی و گناهم را ببخشی، و درجات بلند بهشت را از تو درخواست
 می‌نمایم و خدایا! از تو می‌خواهم که به درون و شنوایی و بینایی و روح و

خلق و اخلاق و اهل و حیات و مرگ و کردارم برکت بیفزایی و حسناتم را پذیرا باشی و درجات رفیع بهشت را از تو مسألت می‌نمایم»^۱.

۶۴- «اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي مُنْكَرَاتِ الْأَخْلَاقِ، وَالْأَهْوَاءِ، وَالْأَعْمَالِ، وَالْأَذْوَاءِ». «خدایا! اخلاق‌های ناروا و هواهای نفسانی و کردارهای نفسانی و ناخوشی‌ها را از من دور بدار»^۲.

۶۵- «اللَّهُمَّ فَتَّنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيهِ، وَاخْلُفْ عَلَيَّ كُلَّ غَائِبَةٍ لِي بِحَيْرٍ». «خدایا! به آنچه که به من عطاء و ارزانی داشته‌ای قانعم کن و در آن برکت بیفزای و هر چه را از دست داده‌ام جایگزین آن، خیر نصیبم فرما»^۳.

۶۶- «اللَّهُمَّ حَاسِبِي حِسَابًا يَسِيرًا». «خدایا! مرا آسان مورد محاسبه قرار ده».

۶۷- «اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى ذِكْرِكَ، وَشُكْرِكَ، وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ». «خدایا! ما را بر ذکر و شکر و حُسن عبادت یاری نما».

۶۸- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا يَرْتَدُّ، وَنَعِيمًا لَا يَنْفَدُ، وَمُرَافَقَةً مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَعْلَى جَنَّةِ الْخُلْدِ». «خدایا! ایمانی غیر قابل برگشت و نعمتی تمام نشدنی و هم‌نشینی با محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در رفیع‌ترین باغ‌های بهشت جاویدان را از تو مسألت می‌نمایم».

۱- حاکم آن را تخریج نموده و ذهبی آن را صحیح دانسته است، ۵۲۰/۱.

۲- با تخریج حاکم و قائل به صحیح بودن است.

۳- حاکم، و قائل به صحت آن می‌باشد بر شرط مسلم و ذهبی با آن موافق است،

۶۹- «اللَّهُمَّ قِنِي شَرَّ نَفْسِي، وَاعْزِمِ لِي عَلَى أَرْشِدِ أَمْرِي، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَسْرَرْتُ، وَمَا أَعْلَنْتُ، وَمَا أَخْطَأْتُ، وَمَا عَمَدْتُ، وَمَا عَلِمْتُ، وَمَا جَهَلْتُ».

«خدایا از شرارت نفس حفظم نما. و خدایا! گناهی را که آشکارا و یا سرّی و یا عمدی و یا اشتباهی و یا آگاهانه و یا ناآگاهانه انجام داده‌ام مورد عفو و بخشش قرار ده».

۷۰- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ، وَغَلَبَةِ العَدُوِّ، وَشِمَاتَةِ الأَعْدَاءِ».

«خدایا! از غلبه قرض و دشمن و نیرنگ دشمن به تو پناه می‌برم».

۷۱- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَاهْدِنِي، وَارْزُقْنِي، وَعَافِنِي، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ضَيْقِ الْمَقَامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«خدایا! مرا ببخش و هدایتم نما و از من درگذر، خدایا! از تنگی جایگاه در روز قیامت به تو پناه می‌برم»^۱.

۷۲- «اللَّهُمَّ مَتَّعِنِي بِسَمْعِي، وَبَصَرِي، وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ يَظْلِمُنِي، وَخُذْ مِنْهُ بِئَارِي».

«خدایا از شنوایی و بینائی بهره‌مندم کن. و بر کسی که به من ستم می‌نماید پیروزم گردان و انتقامم را از او بگیر»^۲.

۷۳- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَيْشَةً نَقِيَّةً».

«خدایا! زندگی پاکی را از تو درخواست می‌نمایم».

۱- نسائی، ۲۰۹/۳، و ابن ماجه، ۴۳۱/۱، صحیح سنن النسائی، ۳۵۶/۱ و صحیح ابن ماجه، ۲۲۶/۱.

۲- ترمذی تخریح نموده است. نکا: صحیح ترمذی، ۱۸۸/۳ و حاکم تخریح نموده.

۷۴- «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، اللَّهُمَّ لَا قَابِضَ لِمَا بَسَطْتَ، وَلَا بَاسِطَ لِمَا قَبَضْتَ، وَلَا هَادِيَّ لِمَنْ أَضَلَّتْ، وَلَا مُضِلَّ لِمَنْ هَدَيْتَ، وَلَا مُعْطِيَّ لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُقَرَّبَ لِمَا بَاعَدْتَ، وَلَا مُبَاعِدَ لِمَا قَرَّبْتَ، اللَّهُمَّ ابْسُطْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ، وَرَحْمَتِكَ، وَفَضْلِكَ، وَرِزْقِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ التَّعِيْمَ الْمُقِيمَ الَّذِي لَا يَحُولُ وَلَا يَزُولُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ التَّعِيْمَ يَوْمَ الْعِيَلَةِ، وَالْأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَائِدٌ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَعْطَيْتَنَا، وَشَرِّ مَا مَنَعْتَنَا، اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْإِيمَانَ، وَزَيِّنْهُ فِي قُلُوبِنَا، وَكَرِّهْ إِلَيْنَا الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الرَّاشِدِينَ، اللَّهُمَّ تَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ، وَأَحِينَا مُسْلِمِينَ، وَأَلْحِقْنَا بِالصَّالِحِينَ غَيْرَ خَزَايَا وَلَا مَفْتُونِينَ، اللَّهُمَّ قَاتِلِ الْكُفْرَةَ الَّذِينَ يُكْذِبُونَ رُسُلَكَ، وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِكَ، وَاجْعَلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَعَذَابَكَ، اللَّهُمَّ قَاتِلِ الْكُفْرَةَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ، إِلَهَ الْحَقِّ [آمِينَ].»

«خدایا! همه ستایش خاص توست، خدایا! آنچه را که تو گسترده‌ای، جمع‌کننده برای آن نیست و آنچه را که تو درهم کشیده‌ای، گسترنده برای آن نیست، آنکه را که تو گمراه کرده باشی برای وی هدایت‌گری نیست و آنکه را تو هدایت کرده باشی برای وی گمراه‌کننده نیست و آنچه را که تو منع کرده باشی عطاکننده برای آن نیست و آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع‌کننده برای آن نیست و برای آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع‌کننده برای آن نیست و برای آنچه که تو دور نموده‌ای نزدیک‌کننده نیست و برای آنچه که تو نزدیک نموده‌ای دور‌کننده نیست و از برکات و رحمت و

فضل و روزی‌ات بر ما گسترده گردان، خدایا! من نعمت پابرجا که دگرگون و زایل نگردد از تو درخواست می‌نمایم، خدایا! در روز تنگدستی، نعمت و در روز خوف و هراس، امنیت را از تو درخواست می‌کنم، خداوند! از آنچه که به ما عطا نموده‌ای و از شرّ آنچه که ما را از آن منع نموده‌ای به تو پناه می‌برم و خدایا! ایمان را نزد ما محبوب و آن را در دل‌هایمان مزین و آراسته گردان و کفر و بدی و سرکشی را نزد ما کریه و زشت گردان و ما را از راه‌یافتگان قرار ده و ما را با مسلمانی زنده گردان و بدون خواری و گرفتاری مرا به نیکوکاران ملحق نما، خدایا! کافرانی را که پیامبران تو را تکذیب می‌نمایند و از راه تو جلوگیری ممانعت می‌نمایند از بین ببر و خشم و عذاب خود را بر آن قرار ده، خدایا! کافرانی که کتاب (اهل کتاب) دریافت نموده‌اند نابود و از بین ببر، ای معبود بحق»^۱.

۷۵- «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي».

«خدایا! مرا مورد بخشش قرار بده، و به من رحم کن، و هدایت‌م ده و تندرستم گردان و روزی‌ام ده»^۲.

۷۶- «اللَّهُمَّ زِدْنَا وَلَا تَنْقُصْنَا، وَأَكْرِمْنَا وَلَا تُهِنَّا، وَأَعْطِنَا وَلَا تَحْرِمْنَا، وَآثِرْنَا وَلَا تُؤْثِرْ عَلَيْنَا، وَأَرْضِنَا وَارْضَ عَنَّا».

«خدایا! بر ما بیفز و از ما کاهش نده، و مرا اکرام ده و مرا مورد اهانت قرار نده به ما عطا نما و ما را محروم نما و ما را ترجیح و

۱- احمد، ۴۲۴/۳.

۲- مسلم، ۲۰۷۲/۴-۲۰۷۳، ۲۰۷۸/۴۵.

برتری ده و بر ما ترجیح نده، و ما را راضی کن و از ما رضایت حاصل نما»^۱.

۷۷- «اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي، وَاجْعَلْنِي هَادِيًا مَهْدِيًّا».

«خدایا! استوارم گردان و مرا هدایت‌دهنده و هدایت‌یافته گردان»^۲.

۷۸- «اللَّهُمَّ آتِنِي الْحِكْمَةَ الَّتِي مَنْ أُوتِيَهَا فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا».

«خدایا! حکمتی را که به هر کس داده شود، خیر فراوانی به او داده شده است، به من عطا نما».

اللهم صلِّ وسلم على نبينا محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين

ومن تبعهم بإحسان إلى يوم الدين

۱- ترمذی، ۳۲۶/۵، شماره ۳۱۷۳. حاکم، ۹۸/۲، نکا: جامع‌الأصول، ۲۸۲/۱۱، شماره ۸۸۴۷.

۲- تخریج امام احمد، ۶۸/۶، ۱۵۵، ۴۰۳۱، آلبانی در إرواء الغلیل آن را صحیح گفته است (۱۵۵/۱ شماره ۷۴).

اهمیت معالجه با کتاب و سنت

مقدمه

تمام ستایش‌ها مختص ذات خداوند است، او را ثنا می‌گوییم، و از او یاری می‌جوییم و از او طلب مغفرت و بخشش می‌نماییم، و از شرارت‌ها و بدی‌های درون و زشتی‌های کردارمان به خداوند پناه می‌بریم هر که را خدایش هدایت نماید او را گمراه‌کننده نیست و هر که را خدا گمراهش نماید او را هدایت‌گری نیست، و گواهی می‌دهم که معبود بحق جز خداوند نیست، یگانه است و او را شریکی نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، درود و تحیت خداوند بر او و آل و یاران او و پیروان راستین او تا روز قیامت.

بی‌گمان معالجه با قرآن و دعا و تعویذهای که از پیامبر ﷺ ثبت و ضبط گردیده است، معالجه سودمند و بهبودی تمام و کاملی است.

﴿هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ﴾ [فصلت: ۴۴].

بگو: «این (قرآن) برای کسانی که ایمان آوردند، هدایت و شفاست».

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ شَفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [الإسراء: ۸۲].

«و از قرآن آنچه را که شفا و رحمت برای مؤمنان است؛ نازل می‌کنیم».

و حرفِ (مِنْ) در اینجا برای تبیین جنس است یعنی اینکه تمام قرآن همچنان‌که در آیه ذکر گردید دارای بهبودی و راهنمایی است، و در آیه دیگری می‌فرماید:

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ
وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [يونس: ۵۷].

«ای مردم! به راستی که برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد، و شفایی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان است.»

پس قرآن مایه بهبودی تمام بیماری‌های روحی و جسمی و دنیوی و اخروی است، هر فردی با داشتن اهلیت و صلاحیت لازم در بهبودیابی و شفاجستن به قرآن به موفقیت نایل می‌گردد، و هرگاه بیمار با روش نیک و از روی صدق و باور و اعتقاد جازم و با رعایت شروط آن به قرآن بیماری خویش را مداوا و معالجه نماید، هرگز بیماری با وی روبرویی نخواهد کرد چگونه بیماری می‌تواند با سخن خدا درآفتد که اگر آن را بر کوه‌ها فرو می‌فرستاد آن‌ها را تکه تکه و متلاشی می‌نمود، هر کسی خداوند، فهم قرآن را به وی ارزانی داشته باشد تمام بیماری‌های درونی و بیرونی و علت و درمان آن‌ها و پیشگیری از آن را در قرآن می‌یابد، خداوند در قرآن بیماری‌ها و راه درمان دل‌ها و جسم‌ها را ذکر نموده است.

بیماری قلب دو دسته می‌باشند؛ دسته بیماری تردید و سوءظن است، و دسته دیگر بیماری شهوت و لغزش است.

و قرآن در جاهای متعددی به بیان بیماری درونی و سبب و راه چاره آن‌ها می‌پردازد:^۱

﴿أَو لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً
وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ [العنكبوت: ۵۱].

«آیا برای آن‌ها کافی نیست که همانا ما (این) کتاب (قرآن) را بر تو نازل کردیم که (پیوسته) بر آن‌ها تلاوت می‌شود؟! بی‌گمان در این (قرآن) رحمت و پندی است برای کسانی که ایمان می‌آورند».

امام ابن قیم (الجوزیه) می‌گوید: کسی که قرآن او را شفا نموده باشد خداوند وی را شفا و بهبود نبخشد و هر که قرآن او را کفایت و بسنده نکند خداوند نیز وی را کفایت و بسنده نکند.^۱

و اما بیماری‌های جسمی: خداوند به ریشه‌های درمان آن‌ها و منشأ ایجاد و قواعد آن در قرآن کریم اشاره نموده است، به طوری که قرآن اساس و شالوده آن را به سه دسته تقسیم کرده است:

۱- حفظ تندرستی و سلامت

۲- پیشگیری و مبارزه با عوامل بیماری‌زا

۳- استفرغ و تهی نمودن مواد فاسد بیماری‌زا، و چنانچه فرد با روش درست و مناسب با قرآن تداوی نماید بلافاصله اثر بهبودی آن را می‌بیند.

امام ابن قیم در کتاب «زادالمعاد» می‌گوید: مدتی در مکه مریض بودم و طبیب و دارویی جهت مداوا نیافتم، خودم را با سوره حمد معالجه می‌کردم و تأثیر شگفت آن را روی خود می‌دیدم، مقداری از آب زمزم بر می‌داختم و چند بار سوره حمد را بر آن می‌خواندم سپس آن را می‌نوشیدم و با آن بهبودی کامل می‌یافتم و بعد از آن در برابر بسیاری دردها از آن استفاده می‌بردم و برای کسانی که از درد رنج می‌بردند توصیه می‌نمودم و بسیاری از آنان به سرعت رو به بهبودی می‌رفتند.^۲

۱- زادالمعاد، ۳۵۲/۴.

۲- زادالمعاد، ۱۷۸/۴ و الجواب الکافی، ص ۲۱.

و همچنین معالجه با تفویض و دعا‌های نبوی مفیدترین داروها می‌باشند و دعا به شرطی که از موانع بدور باشد سودمندترین ابزار در رفع گرفتاری و حصول خواسته انسان است و مفیدترین دارو می‌باشد مخصوصاً اگر همراه با التماس و استدعا باشد و دعا دشمن مصیبت و بلاست و آن را دفع نموده و از فرود آمدن آن ممانعت به عمل می‌آورد و یا اگر هم فرود آید آن را تخفیف و آسان گرداند.^۱ و از ترمذی و حاکم روایت شده است که پیامبر ﷺ فرموده است: «الدُّعَاءُ يَنْفَعُ مِمَّا نَزَلَ وَمِمَّا لَمْ يَنْزِلْ فَعَلَيْكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِالدُّعَاءِ».

«دعا از چیزی که فرود آمده است و از آنچه نازل نگشته است سود و فایده می‌رساند پس دعا کردن -ای بندگان خدا- بر شما لازم و ضروری است»^۲.

و باز می‌فرماید: «لَا يُرَدُّ الْقَضَاءُ إِلَّا الدُّعَاءُ وَلَا يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ إِلَّا الْبِرُّ».
«قضا را جز دعا باز نگرداند و جز نیکی کردن به طول عمر نیفزاید»^۳.
ولیکن در اینجا لازم است به این نکته توجه گردد که آیات و اذکار و دعا‌هایی با آن‌ها درخواست بهبودی می‌گردد و آن‌ها در نفس خود دارای سود و بهبودی می‌باشند دارای قبولی و توانایی و اثر معالج می‌باشند و اگر تداوی و معالجه با موارد مذکور بهبودی را به دنبال نداشت یا بر اثر ضعف تأثیر انجام دهنده آن بوده است و یا به علت عدم قبول فرد مداوا شده و یا به

۱- جواب الکافی: ۲۲-۲۵.

۲- صحیح الجامع، ۱۵۳/۳، شماره ۳۴۰۳.

۳- حاکم و ترمذی و آلبانی آن را صحیح دانسته است. نگاه: سلسله الأحادیث الصحیحة ۷۶/۱، شماره ۱۵۴.

خاطر وجود مانع بزرگی است که از تأثیر در ماده ممانعت می‌نماید، و معالجه با دعا و تعویذ به دو امر تحقق می‌پذیرد:

یکی از سوی مریض و امر دیگر از سوی فرد معالج می‌باشد، و آنچه که بسیار رعایت نماید این است که با تقویت خود و توجه صادقانه به خداوند روی نماید و اعتقاد جازم داشته باشد به اینکه قرآن شفا و رحمت است برای ایمان‌داران و با قلب و زبان از خداوند پناه جوید، زیرا این عمل یک نوع ستیز و جنگ می‌باشد و فرد ستیزه‌جو نیز امکان پیروزی بر دشمن برای وی ممکن نمی‌گردد. جز به دو امر نباشد یکی اینکه سلاح در ذات خود سالم و کارایی لازم را داشته باشد و دوم اینکه فرد جنگجو دارای نیرو و وقت لازم جنگ را دارا باشد، و چنانچه یکی از دو امر برای جنگجو فراهم نباشد اسلحه برای وی سود و ارزشی ندارد پس اگر جنگجو فاقد هر دو امر باشد در این صورت چه چیزی برای وی حاصل می‌گردد و همچنین اگر قلب مریض از توحید و تقوا و توجه خدا خالی باشد و سلامتی هم نداشته باشد چگونه انتظار بهبودی را داشته باشد.

و امر دوم که از سوی معالج با کتاب و سنت می‌باشد می‌بایست او نیز دارای دو امر مذکور در وظایف مریض باشد^۱، و به همین سبب ابن تیمیة رحمته گفته است: تعویذ با دعاها و اسماء خداوند داروی روحی است؛ هرگاه بر زبان نیکوکار جاری گردد و با اذن خداوند بهبودی حاصل می‌گردد. و علما با وجود سه شرط بر جواز تعویذ^۲ (رقیه و افسون) اجماع کرده‌اند:

۱- زادالمعاد، ۶۸/۴، الجواب الکافی، ص ۲۱.

۲- تعویذ بمعنی: دعا کردن، و پناه خواستن، التجا کردن به خداوند متعال توسط اوراد و اذکار مشروع قرآن و سنت صحیح می‌باشد بخلاف مفهوم مشهور عام که عبارت از آویزان کردن گلو بند و دستبند و... می‌باشد.

- ۱- اینکه با کلام خداوند یا اسماء و صفات او و یا سخن پیامبر ﷺ باشد.
- ۲- با زبان عربی و یا زبان قابل فهم دیگری باشد.
- ۳- باور به اینکه دعا ذاتاً تأثیری ندارد بلکه با قدرت خداوند تأثیر می‌کند و آن هم سببی از اسباب بهبودی است^۱.
- و به خاطر اهمیت جدی دعا بخش تعویذ را از کتاب «ذکر و دعا و معالجه با رقیه (افسون و تعویذ) از کتاب و سنت» خودم خلاصه نمودم و نکته‌های مفیدی نیز به آن افزودم و از خداوند - عزّ و جلّ - می‌خواهم که آن را محض رضای خویش قرار دهد، و به وسیله این اثر به من و کسانی که آن را خوانده‌اند و یا به چاپ رسانده و یا عامل پخش آن بوده‌اند و همهٔ مسلمانان بهره و نفع رساند.

وصلی الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وعلی آله و أصحابه

ومن تبعهم بإحسانٍ إلى یوم الدین

سعید بن علی بن وهف القحطانی

نگاشته شد در تاریخ ۱۴۱۴/۶/۱۸ هـ

۱- علاج سحر (جادو)

علاج الهی برای سحر دو نوع می‌باشد:

بخش اول آنست که قبل از وقوع سحر از آن پیشگیری به عمل آورده می‌شود:

۱- انجام دادن همه واجبات، و ترک تمام محرّمات، و توبه از تمام گناهان.

۲- افزایش خواندن قرآن کریم به طوری که هر روز وردی^۱ (جزیی) از آن را برای آن قرار داده شود.

۳- پناه‌جویی از خداوند با دعاها و اذکار. برای شروع در این مورد می‌توان به دعاهای زیر اشاره نمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ، فِي الْأَرْضِ، وَلَا فِي السَّمَاءِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» سه بار در صبح و شبانگاه^۲، و خواندن آیه الکرسی بعد از هر نماز و هنگام خواب و در صبح و شب^۳ و خواندن سوره اخلاص و ناس و فلق سه بار در هنگام خواب و صبح و اول شب و گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». هر روز صد مرتبه و رعایت و پرداختن به اذکار زیر: اذکار صبحگاه و شامگاه، اذکار بعد از نمازها، اذکار خواب و

۱- ورد: جزیی از قرآن است که انسان آن را در طول شبانه روز بخواند، فرهنگ عمید.

۲- ترمذی و ابوداود و ابن ماجه، نگا: صحیح ابن ماجه، ۳۳۲/۲.

۳- نگا: حاکم و ذهبی، ۵۶۲/۱ و صحیح‌الترغیب و الترهیب ناصرالدین آلبانی، ۲۷۳/۱،

بیدار شدن از آن، اذکار ورود به منزل و خروج از آن، اذکار نشستن بر مرکب، اذکار ورود به مسجد و خروج از آن، و دعای ورود به مستراح و خروج از آن، و غیره و بسیاری از آن‌ها را در (حصن المسلم) ^۱ بر طبق احوال و مناسبات و اماکن و اوقات مناسب ذکر کرده‌ام، بی‌گمان محافظت و رعایت این اذکار فرد را از ابتلا به سحر و چشم و جن‌زدگی به اذن و رخصت الهی منع می‌نماید و موارد بعد از دچار شدن به این آفت‌ها نیز بهترین اثر را در علاج آن‌ها ایفا می‌نمایند ^۲.

۴- خوردن هفت خرما با شکم خالی قبل از صبحانه هرگاه ممکن باشد؛ زیرا از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرموده است: «مَنْ أَصْطَبَحَ بِسَبْعِ تَمْرَاتٍ عَجْوَةٍ، لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَمٌّ، وَلَا سِحْرٌ». «هر کسی با خوردن هفت خرمای خشک صبحانه نماید در آن روز سموم و سحری به او ضرر نمی‌رسانند».

و بهتر اینکه از خرمای مدینه باشد و علامه بن عبدالله بن باز رحمته الله علیه بر این باور است که تمام خرماهای مدینه دارای این اوصاف می‌باشد. همچنان که شیخ رحمته الله علیه بر این باور است که در غیر خرمای مدینه هم برای کسی که بخواهد این سنت را عملی نماید نیز شامل این حکم می‌گردد.

بخش دوم: علاج سحر بعد از وقوع آن که دارای انواع مختلفی است.

۱- حصن المسلم: نیز اثری از مؤلف است در ۱۲۰ صفحه که مجموعه‌ای از اذکار کتاب، سنت می‌باشد که در دمشق - بیروت در دار ابن کثیر به چاپ رسیده است.

۲- زادالمعاد، ۱۲۶/۴ و مجموع فتاوی ابن باز ۲۷۷/۳ و ص ۱۰۸ از همین کتاب.

نوع اول: بیرون نمودن و ابطال سحر اگر محل آن دانسته شود با راه‌های مباح شرعی و غالباً فرد مسحور با این روش معالجه می‌گردد.

نوع دوم: تعویذ شرعی از جمله:

ا- هفت برگ سبز سدر (درخت گنار) را میان هاون و یا با هر وسیله دیگر کوبیده گردد و سپس به اندازه آب غسل یک فرد آب بر آن بریزید و آیات زیر بر آن خوانده شود:

(أعوذ بالله من الشيطان الرجيم)

﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾﴾ [البقرة: ۲۵۵].

«الله (معبود بر حق است) هیچ معبودی بحق جز او نیست، زنده و جهان هستی را) نگه دار و مدبر است، نه چرت او را فرا گیرد و نه خواب، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست کیست که در نزد او جز به فرمان او شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد احاطه نمی‌یابد، کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته، و نگاهداری آن دو (زمین و آسمان) بر او گران و دشوار نیاید، و او بلند مرتبه و بزرگ است.»

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١٧﴾﴾
فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَعَلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا

صَلِّغِينَ ﴿١١٢﴾ وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿١١٣﴾ قَالُوا ءَأَمَّنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١١٤﴾
رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿١١٥﴾ [الأعراف: ۱۱۷-۱۲۲].

«و (ما) به موسی وحی کردیم که: «عصای خود را بیفکن» پس ناگهان آن (عصا، به صورت ازدهای درآمد) آنچه را که به دروغ بر ساخته بودند، می‌بلعید. * آنگاه حق آشکار (و پیروز) شد و آنچه آن‌ها (ساخته بودند و) انجام می‌دادند باطل گشت. * پس در آنجا (فرعون و فرعونیان همگی) مغلوب شدند و خوار و زبون بازگشتند. * و ساحران به سجده افتادند. * گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، * پروردگار موسی و هارون».

﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُنُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٨﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَى أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٠﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨١﴾﴾ [یونس: ۷۹-۸۲].

«و فرعون گفت: «تمام جادوگران (ماهر و) دانا را نزد من بیاورید».
* پس چون جادوگران آمدند، موسی به آن‌ها گفت: «آنچه شما (از وسایل سحر) می‌توانید بیفکنید، (اکنون بر زمین) بیفکنید».
* پس چون افکندند، موسی گفت: «آنچه شما آورده‌اید، سحر است، بی‌گمان الله آن را باطل خواهد کرد، همانا الله عمل مفسدان را اصلاح نمی‌کند. * و الله با کلمات خود، حق را (ثابت و) پایدار می‌کند گرچه مجرمان کراهت داشته باشند».

﴿قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ﴾ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا جِبَالُهُمْ وَعَصِيَّتُهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾ وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدٌ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا فَالْتَوَىٰ ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ ﴿٧٠﴾ [طه: ۶۵-۷۰].

«(ساحران) گفتند: «ای موسی! یا این است که (اول) تو (عصا را) بیفکنی یا آنکه ما کسانی باشیم که اول بیفکنیم؟!» * (موسی) گفت: «بلکه (شما) بیفکنید» پس ناگهان ریسمان‌هایشان و عصاهایشان از (اثر) سحرشان چنان به نظرش رسید که حرکت می‌کند (و می‌دوند) * موسی در دل خود ترسی احساس کرد که (مبادا در ایمان مردم خللی ایجاد شود). * گفتیم: «نترس! مسلماً تو (غالب و) برتری، * و آنچه را که در دست راست خود داری بیفکن، تا (تمام) آنچه را که ساخته‌اند، ببلعد، بی‌شک آنچه ساخته‌اند، تنها مکر ساحر است، و ساحر هر جا رود رستگار (و موفق) نخواهد شد». * (پس موسی عصای خود را افکند، ناگهان به مار بزرگی تبدیل شد و همه‌ای آن‌ها را که ساخته بودند بلعید) آنگاه ساحران (همگی) به سجده افتادند، گفتند: «(ما) به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم»

﴿قُلْ يَتَأْتِيهَا الْكُفْرُورُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾ [الکافرون: ۱-۶].

«(ای پیامبر) بگو: «ای کافران. * من نمی‌پرستم آنچه را که شما می‌پرستید. * و شما (نیز) نمی‌پرستید آنچه را که من می‌پرستم. * و نه من پرستش‌گر آنچه شما پرستش کرده‌اید خواهم بود. * و نه شما پرستش‌گر آنچه من می‌پرستم خواهید بود. * (بنا بر این) آیین شما برای خودتان، و آیین من برای خودم».

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ﴿٣﴾ وَ لَمْ يَكُن لَّهُ وَ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ [الاحلاص: ۱-۴].

«(ای پیامبر) بگو: «او الله یکتا و یگانه است. ^۱ * الله بی‌نیاز است (و همه نیازمند او هستند). * نه (فرزندی) زاده و نه زاده شده است. * و هیچ کس همانند و همتای او نبوده و نیست».

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾ [الفلق: ۱-۶].

«(ای پیامبر) بگو: «به پروردگار سپیده دم پناه می‌برم، * از شر تمام آنچه آفریده است، * و از شر تاریکی شب، آنگاه که همه جا را فرا گیرد. * و از شر (زنان جادوگر) که با افسون در گره‌ها می‌دمند. * و از شر حسود آنگاه که حسد ورزد».

۱- ابی بن کعب رضی الله عنه می‌فرماید: مشرکان به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتند: نسبت الهی خود را برای ما بیان کن، پس الله متعال این سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را نازل فرمود. (مسند احمد: ۵/ ۱۳۳ و جامع ترمذی: ۳۳۶۴) و درباره فضیلت این سوره آمده که: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ برابر با ثلث قرآن است. (صحیح بخاری: ۷۳۴۷).

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ
الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ
وَالنَّاسِ ﴿٦﴾﴾ [الناس: ۱-۶].

«(ای پیامبر) بگو: «به پروردگار مردم پناه می‌برم، * فرمانروای مردم، * (إله و) معبود مردم، * از شر (شیطان) و سوسه‌گر باز پس رونده (به هنگام ذکر الله). * همان که در دل‌های مردم و سوسه می‌کند. * از جنیان (باشد) و (یا از) آدمیان».

و بعد از خواندن آیات مذکور بر آن سه بار از آن بنوشد و با باقیمانده آن غسل نماید و با این عمل اگر خداوند بخواهد، درد و رنج از بین می‌رود و اگر نیاز بود دوبار یا بیشتر می‌تواند انجام دهد تا بیمار کاملاً بهبود یابد و این بارها تجربه شده است و مفید هم بوده است.

ب- سورة فاتحه و آیه الکرسی را خوانده و دو آیه آخر سورة بقره و سورة اخلاص و سه بار یا بیشتر معوذتین همراه با دمیدن با دست راست محل درد را مسح و مالش دهید^۱.

ج- تعاویذ^۲ و دعا‌های مهم و جامع

۱- «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ». (سبع

مرات)

«از خداوند بزرگ پروردگار عرش والا می‌خواهم که تو را شفاء دهد».
(۷ بار)^۱

۱- بخاری با فتح الباری، ۶۲/۹ و مسلم، ۱۷۲۳/۴ و بخاری با فتح الباری، ۱۰/۸۱۰.
۲- تعاویذ جمع تعویذ بمعنی: دعا کردن، و پناه خواستن، التجا کردن به خداوند متعال توسط اوراد و اذکار مشروع قرآن و سنت صحیح می‌باشد بخلاف مفهوم مشهور عام که عبارت از آویزان کردن گلو بند و دستبند و می‌باشد.

- ۲- (دست را روی محل درد گذاشته و سه بار می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ» و «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»). (۷ بار) ۲.
- «از شر آنچه که می‌یابم و از آن حذر می‌نمایم به خداوند و قدرت او پناه می‌برم».
- ۳- «اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ، أَذْهِبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءً لَا يُعَادِرُ سَقَمًا».
- «خدایا! پروردگار مردم! ناراحتی را ببر و شفا ده، تو شفادهنده‌ای و شفایی جز شفای تو نیست، شفایی که به بیماری نمی‌گراید» ۳.
- ۴- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامَّةٍ، وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ».
- «از هر شیطان گزنده‌ای و از هر چشم بدی به کلمات تامه خداوند پناه می‌برم» ۴.
- ۵- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ».
- «از شر آنچه خداوند خلق کرده است به کلمات تامات خداوند پناه می‌برم».
- ۶- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ: مِنْ غَضَبِهِ، وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ».

۱- ترمذی و ابوداود، ۱۸۷/۳ و ترمذی، ۴۱۰/۲، نگا: صحیح‌الجامع، ۱۸۰/۵ و ۳۲۲.

۲- مسلم، ۱۷۲۸/۴.

۳- فتح‌الباری، ۲۰۶/۱۰ و مسلم، ۱۷۲۱/۴.

۴- بخاری، مع‌الفتح، ۴۰۸/۶.

«از غضب و عذاب خداوند و شرّ بندگان و از وسوسه‌های شیاطین و اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامه خداوند پناه می‌جویم».

۷- «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ، وَبِرَّاءٍ، وَدَرَّاءٍ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا دَرَأَ فِي الْأَرْضِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالتَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِحَيْرٍ يَا رَحْمَنُ».

«از شرّ آنچه که خدا خلق کرده است و از شرّ آنچه که از آسمان فرود می‌آید و از شرّ آنچه از آن بیرون می‌رود و از شرّ فتنه‌های شب و روز و از شرّ هر کوبنده و شبروی، مگر کوبنده باب خیر و نیکی، به کلمات تامه هیچ نیکوکار و فاجری از آن تجاوز نمی‌نماید، پناه می‌برم»^۱.

۸- «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبَّ الْأَرْضِ، وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، رَبَّنَا وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، فَالِقَ الْحَبِّ وَالتَّوَي، وَمُنزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهِ، أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ...».

«خدا! پروردگار آسمان‌های هفتگانه و پروردگار عرش والا، ای پروردگار ما و پروردگار تمام اشیاء، ای شکافنده و رویاننده دانه و

۱- مسند احمد، ۱۱۹/۳ با اسناد صحیح، و ابن السنی شماره ۶۳۷ و مجمع‌الزوائد،

هسته، فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن، از شر آنچه که زمام آن در دست توست به تو پناه می آورم تو آغازینی هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و واپسینی هستی که بعد از تو چیزی نخواهد بود و تو پنهانی هستی که پنهان تر از تو چیزی نیست»^۱.

۹- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ».

«به نام خدا تو را از هر چیز که باعث آزارت گردد و از شر هر نفس و یا چشم حسودی تو را آزار نماید تعویذ می نمایم و خداوند شفایت دهد به نام خدا تعویذت می دهم»^۲.

۱۰- «بِسْمِ اللَّهِ يُبْرِيكَ، وَمِنْ كُلِّ دَاءٍ يَشْفِيكَ، وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي عَيْنٍ».

«به نام خدا بهبودت بخشد و از هر درد الهی شفایت دهد و از شر هر حسودی هرگاه رشک بورزد و از شر هر صاحب چشم بدی شفا و پناهت دهد»^۳.

۱۱- «بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ حَسَدِ حَاسِدٍ، وَمِنْ كُلِّ ذِي عَيْنٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ».

«به نام خداوند از هر چیز که آزارت می دهد و از حسد حسود تو را دعا و تعویذ می نمایم و از شر هر صاحب چشم حسودی از خداوند می خواهم بهبودت بخشد»^۴.

۱- مسلم، ۲۰۸۴/۴.

۲- مسلم از ابوسعید رضی الله عنه، ۱۷۱۸/۴.

۳- مسلم از عائشه رضی الله عنها، ۱۷۱۸/۴.

۴- سنن ابن ماجه از عباد بن صامت رضی الله عنه، نکا: صحیح ابن ماجه، ۲۶۸/۲.

این تعاویذ و دعاها، سحر و جن زدگی و چشم زخم و همه بیماری‌ها با آن معالجه می‌گردد این‌ها به اذن خداوند دعا‌های جامع و مفیدی می‌باشند.

نوع سوم: خون‌گیری با حجامت از محل یا عضوی که اثر سحر بر آن ظاهر گشته است، اگر ممکن باشد و چنانچه حجامت ممکن نباشد به کار گرفتن آنچه که ذکر شد جهت استعلاج کافی و بسنده می‌باشد.

نوع چهارم: داروهای طبیعی و مفیدی که قرآن و سنت مطهر به آن‌ها اشاره نموده‌اند هرگاه انسان با یقین و صدق و توجّه به خداوند آن‌ها را به کار ببرد و اعتقاد داشته باشد بر اینکه نفع از طرف خداوند است و اگر خداوند بخواهد به آن نفع رساند همچنان‌که داروهای ترکیبی گیاهی که براساس تجربه تجربه‌داران می‌توان از آن استفاده نمود به شرطی که حرام نباشند و در این زمینه داروهای طبیعی جهت علاج بیماری‌ها و آفات مذکور وجود دارند که اگر خداوند بخواهد نفع و فایده می‌رساند.

از جمله معالجات طبیعی نافع به اذن خداوند می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: ۱، عسل، ۲، سیاه‌دانه، ۳، آب زمزم، و آب آسمان همچنان‌که قرآن می‌فرماید: می‌فرماید:

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا ﴿۹﴾﴾ [ق: ۹].

«ما از آسمان آب مبارک فرو فرستاده‌ایم».

و یکی دیگر اسباب معالجه روغن زیتون است به دلیل اینکه از پیامبر ﷺ روایت است که:

«كُلُوا الزَّيْتِ، وَادَّهِنُوا بِهِ، فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ».

۱- نگا: ص ۱۴۳ متن عربی همین کتاب، و فتح الحق المبین، ص ۱۴۰.

۲- ص ۱۴۱ متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص ۱۴۱.

۳- ص ۱۴۳، متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص ۱۴۴.

«زیتون را بخورید و به آن تدهین نمایید زیرا از درخت مبارکه می باشد». واقعیت تجربه و استعمال و مطالعه نشان داده است که بهترین روغن است برای استحمام و نظافت و عطرآگین نمودن و از داروهای طبیعی به شمار می آیند.

۲- علاج چشم زخم

معالجه ابتلا به چشم بد به سه طریق انجام می گیرد:

- قسم اول: قبل از ابتلا به آن و آن هم دارای چند نوع می باشد:
- ۱- حفظ و نگهداشت فردی که بیم آن می رود که مورد حسد چشم بد قرار گیرد با اذکار و دعاها و تعاویذ مشروعه همچون بخش اول از علاج سحر.
- ۲- فردی که از اثر بد چشم خود می ترسد و یا بیم می رود که چشم وی بر دیگران اثر بد بگذارد هرگاه از خود یا ثروت و فرزند خود و یا برادر خود چیزی را دید که باعث شگفت وی گردد در آن حالت به برکت دعا نماید و بگوید: «ما شاء الله لا قوة الا بالله، اللهم بارك عليه» زیرا از پیامبر ﷺ روایت شده است که: «إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ مِنْ أَخِيهِ مَا يُعْجِبُهُ فَلْيَدْعُ لَهُ بِالْبَرَكَةِ».
- «هر کسی که از شما چیز را از برادر خود ببیند که او را شگفت زده نماید برای وی دعای برکت نماید».
- ۳- پوشاندن محاسن کسی که بیم اثر بد چشم بر وی رود.
- قسم دوم: بعد از اصابت چشم بد بر فرد که آنهم دارای انواع گوناگون است:

- ۱- هرگاه چشم‌زخم زنده شناخته شد امر به وضو می‌شود سپس فردی که چشم بد بر وی اصابت کرده است از آب وضوی وی غسل نماید.
- ۲- به خواندن سوره توحید، و معوذتین و حمد و آیه الکرسی و آیه‌های آخر سوره بقره و دعاهای مشروعه در تعویذ با دمیدن و مسح محل درد با دست راست بیفزاید همچنان که در بخش دوم از علاج سحر فقره ج شماره ۱ الی ۱۱ بیان گردید.
- ۳- سپس بیمار آب دمیده شده را می‌نوشد و باقیمانده را بر روی خود می‌ریزد، یا در روغن می‌خواند و با آن تدهین می‌نماید و چنانچه در آب زمزم یا آب آسمان خوانده شود بهتر است.
- ۴- ایرادی ندارد اگر آیاتی از قرآن نوشته گردد و بعد از آن شسته شود و بیمار از آن بنوشد و از جمله آیاتی که در این باره به کار می‌روند سوره حمد، آیه الکرسی و دو آیه آخر سوره بقره و سوره توحید و معوذتان و دعاهای تعویذ همچنان که در صفحه‌های قبل ذکر گردید.
- ۱- بخش سوم به کار بردن اسبابی که باعث دفع چشم حسود می‌گردد که عبارتند از:
 - ۱- استعاذه و پناه خواستن به خداوند از شر حسود.
 - ۲- تقوا و ترس از خداوند و رعایت تقوا در امر و نهی خداوند.
 - ۳- صبر بر حسود و گذشت از او و عدم درگیری و شکایت و اذیت او.
 - ۴- توکل نمودن بر خداوند و هر کسی بر خداوند توکل نماید خداوند برای او کافی و بسنده می‌باشد.
 - ۵- از حاسد نترسد و فکر خود را با آن مشغول ننماید و این مفیدترین داروست.
 - ۶- روی آوردن بر خدا و داشتن اخلاص با او و طلب رضایت او.

۷- توبه از گناهان چون گناه دشمنانِ انسان را بر او مسلط می‌گرداند.
 ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾^(۳۰)
 [الشوری: ۳۰].

«آنچه از مصیبت و بلا یا به شما می‌رسد به خاطر کارهایی است که خود کرده‌اید، و خداوند از بسیاری (از آن) گذشت می‌کند».

۸- به اندازه توان صدقه و احسان نمودن بی‌گمان صدقه و احسان تأثیر شگفتی بر دفع بلا و چشم زخم و شرّ حسود دارند.

۹- با نیکی نمودن به حاسد، آتش درون وی را خاموش کنید هر اندازه حاسد به افزودن شرّ و حسد خود پردازد او هم احسان و نیکی و شفقت بر او افزایش دهد و این عمل از هر کسی بر نمی‌آید مگر آنکه خداوند بهره‌ای از طرف خود به او داده باشد.

۱۰- مجرد نمودن توحید و اخلاص برای خداوند حکیم که چیزی بدون اذن وی سود و ضرر نمی‌رساند و او جامع و مدار تمام اسباب می‌باشد.

پس توحید دژ بزرگ خداوند است هر کسی به آن وارد گردد از امنیت و امان یافتگان است.

پس با این ده اسبابی که ذکر کردیم شرّ حاسد و چشم‌زخم زننده و ساحر دفع می‌گردد^۱.

۳- علاج و آمیختگی جنی با انسان

علاج فرد جن‌زده که جن به او وارد شده است و به آن می‌آمیزد دو نوع است:

نوع اول: قبل از اصابت است:

۱- نگا: به بدائع الفوائد ابن قیم الجوزیه ۲۳۸/۳-۲۴۵.

محافظه و رعایت بر تمام فرایض و واجبات و دوری نمودن از تمام محرّمات، و توبه از تمام گناهان و پناه بردن با اذکار و دعا‌های مشروع.

نوع دوم: معالجه بعد از ورود جنی به جسم انسان:

به وسیله مسلمانی که قلب و زبانش با هم هماهنگ باشد و برای فرد مصروع تعویذ می‌دهد دعا‌های لازم در این زمینه گفته شود و بزرگ‌ترین معالجه با فاتحه‌الکتاب و آیه الکرسی و دو آیه آخر سوره بقره و سوره توحید و سوره فلق و ناس همراه با دمیدن بر فرد مصروع و سه بار تکرار نمودن آن و یا بیشتر و آیات دیگر قرآنی زیرا همه قرآن شفا درونی و شفاء و هدایت است برای ایمان‌داران و سایر دعا‌هایی که در بخش دوم از علاج سحر در فقره «ب» و «ج» گفته شد و در این علاج فرد مصروع رعایت و پای‌بندی به دو امر لازم است اول از طرف فرد مصروع درون خود را تقویت نماید و صادقانه به خداوند توجه و روی آورد و با قلب و زبان به خداوند پناه ببرد و دوم از طرف فرد معالج باید تحقق یابد و او نیز وظایف فرد مصروع را بر عهده دارد و به قول مشهور اسلحه یا زنده آن است و اگر در گوش مصروع اذان گفته شود نیک است زیرا شیطان از آن گریزان می‌گردد^۱.

۴- معالجه بیماری‌های درونی

بزرگ‌ترین معالجه و درمان بیماری درونی و تنگی و دل‌گرفتگی (سینه) به طور خلاصه عبارت است از:

۱- هدایت و توحید، همچنان که گمراهی و شرک بزرگ‌ترین اسباب دل‌گرفتگی است.

۲- نور ایمان واقعی که خداوند در قلب بنده با عمل صالح می‌گذارد.

۱- نگا: فتح‌الحق المبین در علاج سحر و صرع و چشم‌زخم، ص ۱۱۲، و بخاری، شماره

- ۳- علم سودمند، هر اندازه علم بنده وسعت یابد دل و سینه او بازتر و گسترده‌تر خواهد شد.
- ۴- انابه و برگشت به سوی خداوند و یا تمام دل و درون محبت او داشتن و روی آوردن بر او شکر نعمت او با عبادت نمودن وی.
- ۵- دوام ذکر در هر حال و هر مکانی، ذکر تأثیر شگفتی در انشراح و گشاده‌صدر و نعمت دل و از بین بردن غم و غصه دارد.
- ۶- با انواع احسان و نیکی به مردم نیکی کردن و سود رساندن به آنان چون فرد بخشنده و نیکوکار از لحاظ سعه صدر برترین مردم است و دارای پاک‌ترین درون می‌باشد.
- ۷- شجاعت و دلیری، انسان دلیر دارای سعه صدر و وسعت قلب می‌باشد.
- ۸- بیرون کردن ناراستی‌های قلب و صفات مذمومه که موجب ضیق و شکنجه قلب می‌گردد: مانند حسد، بغض، کینه، دشمنی و نفرت، سرکشی، و از پیامبر ﷺ ثابت گشته است که از او درباره بهترین مردم سؤال شد فرمود: «كُلُّ مَخْمُومِ الْقَلْبِ، صَدُوقِ اللِّسَانِ». گفت هر که دل پاک و راست‌گفتار باشد بهترین مردم است، گفتار صدوق اللسان می‌دانیم چیست اما مخموم القلب به چه معناست؟ فرمود: «هُوَ التَّقِيُّ، التَّقِيُّ، لَا إِثْمَ فِيهِ، وَلَا بَغْيٍ، وَلَا غِلٍّ، وَلَا حَسَدٍ» کسی است که متقی و پاک باشد، و گناه و کینه و حسد در وی نباشد^۱.
- ۹- ترک نظر و سخن، استماع و آمیختن با مردم، خوردن و خوابیدن زیاد، و اضافه بر نیاز بکار بردن موارد مذکور از جمله اسباب گشایش روح و روان و زدودن غم و اندوه می‌باشد.

۱- سنن ابن ماجه، شماره ۴۲۱۶، نگا: صحیح ابن ماجه، ۴۱۱/۲.

- ۱۰- اشتغال به کار و یا علم مفیدی که قلب را از آنچه که باعث نگرانی و اضطراب آن گشته است مشغول و باز دارد.
- ۱۱- اهتمام ورزیدن به عملی که به آن مشغول هستید و دوری از تفکر در مورد آینده و افسوس نخوردن برگزیده و یاری خواستن از خداوند برای تحقق نیت حسنه و تلاش بر این راه غم و اندوه را می‌زداید و باعث آرامش قلب و روان می‌گردد.
- ۱۲- در تندرستی و معیشت خویش به پایین‌تر از خود بنگرد نه به بالاتر از خود.
- ۱۳- فراموش نمودن مشکلات و ناراحتی‌هایی گذشته که امکان برگشت و جبران آن‌ها ممکن نباشد درباره آن‌ها اصلاً فکر نمود.
- ۱۴- هرگاه مصیبتی از مصائب برای شخص پیش آید می‌بایست در تخفیف اثر آن بر خود تلاش بورزد به این‌گونه که بدترین احتمال ممکن برای آن فرض کند و با توان و قدرت خویش با آن مقابله کند.
- ۱۵- تقویت قلب و تسلیم نشدن آن در برابر خیالات و توهمات که افکار بد به وجود می‌آورند و به عصبانیت هم منجر نگردد و توقع نداشته باشد که سختی و گرفتاری زایل گردد و بلکه بر خداوند توکل نماید و خود را به خداوند بسپارد و در پی اسباب سودمند برای دفع گرفتاری هم باشد و از خداوند طلب بخشش و تندرستی بنماید.
- ۱۶- تکیه و اعتماد بر خداوند همانا کسی که بر خداوند توکل نماید خیالات و توهمات بی‌اساس در وی تأثیر نمی‌کنند.
- ۱۷- هرگاه فرد به مصیبت و گرفتاری دچار گردد میان گرفتاری موجود و نعمت‌های موجود که خداوند به وی ارزانی داشته است مقارنه و تطبیق می‌نماید پی می‌برد که نعمت‌های موجود بیش از

مصیبت‌های وارد شده است و بجای تفکر در امور منفی و احتمالات
ضرر به افکار مثبت و امیدوار کننده روی آورد.

۱۸- بدانند که اذیت و آزار مردم به او ضرری نمی‌رساند، خصوصاً در
گفتارهای ناشایست و بلکه ضرر متوجه گوینده آن می‌گردد لذا فکر
و خیال خود را به ضرر احتمالی آن مشغول نکند.

۱۹- فکر خود را در آنچه که سود و نفع دینی و یا دنیوی به بار می‌آورد
به کار بگیرد.

۲۰- انسان در برابر نیکی‌ها و خوبی‌هایی که برای دیگران انجام می‌دهد
به دنبال تشکر و سپاس‌گزاری دیگران نباشد و بلکه آن را معامله
میان خود و خدای خود بیندارد و به تشکر طرف مقابل توجه ننماید
همانطور که قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ﴿۹﴾﴾

[انسان: ۹].

«ما شما را به محض رضایت خداوند خوراک می‌دهیم و از شما
پاداش و سپاس‌گزاری نمی‌خواهیم».

و این نوع معامله و عدم انتظار پاداش و سپاس‌گزاری در مورد
خانواده و فرزند بیشتر مورد تأکید است.

۲۱- قرار دادن امور سودمند در برابر چشمان خود و مشغول ساختن
ذهن در انجام و تحقق بخشیدن به آن‌ها و عدم تفکر و خیال‌پردازی
در کارهای بی‌فایده.

۲۲- انجام دادن اعمال کنونی، نینداختن کار امروز به فردا تا برای انجام
کارهای آینده نیروی فکر و عمل لازم را داشته باشد.

۲۳- در انتخاب علوم و کارهای مفید، اول مهمترین آن‌ها به ترتیب
اهمیت آن‌ها را انتخاب کند و خصوصاً آنچه را که رغبت بیشتری به

آن داشته باشد و در انجام آن از خداوند استعانت ورزد و اگر مصلحت اقتضا نمود با دیگران به مشورت بپردازد و با توکل بر خداوند تصمیم نهایی را اتخاذ نماید.

۲۴- با زبان و قلب به بازگو کردن نعمت‌های مادی و معنوی و سپاس‌گزاری از آن نعمت‌ها بپردازد زیرا شناخت نعمت‌ها و تحدّث به آن‌ها غم و اندوه را می‌زداید و بنده را بر شکر و سپاس ترغیب می‌نماید.

۲۵- در برخورد با همسر و خویشان و کسانی که به نحوی در زندگی با وی ارتباط دارند هرگاه از آن‌ها عیب و ایرادی دید آن را با سایر خصایل نیک و اعمال خوب وی تطبیق نماید تا عیب وی جلب توجه ننماید و از خصلت نیک وی چشم‌پوشد با این نوع نگرش ادامه زندگی بیشتر تداوم می‌یابد و فرد از غم و اندوه رها می‌گردد و به شرح صدر نایل می‌آید، و از مسلم روایت است که پیامبر ﷺ فرموده است: «لا یفرک مؤمنٌ مؤمنةً إنّ کرهً منها خلقاً رضی آخرٌ»^۱.

«هیچ مرد ایمان‌داری، زن ایمان‌داری را طرد و قطع رابطه ننماید اگر از بعضی اخلاق وی ناراضی بود، از اخلاق‌های دیگر وی راضی می‌گردد».

۲۶- دعا جهت اصلاح تمام امور و بزرگ‌ترین و برترین آن‌ها عبارت است از: «اللّهُمَّ أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أَمْرِي، وَدُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا

مَعَاشِي، وَأَخْرَتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ،
وَالْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ شَرٍّ^۱.

«خدایا! دینم را که سبب عصمت و نگهداری از لغزش هاست و دنیایم را که محل کسب معاشم می‌باشد و آخرتم را که برگشتم به آن است اصلاح گردان و هر خیری را در زندگی قرار ده و مرگ را از هر شر دیگری برایم آسان گردان و خدایا! رحمت تو را می‌طلبم و لحظه‌ای مرا به نفسم واگذار مکن و تمام کارهایم را اصلاح کن هیچ معبود به حقی جز تو نیست.»

۲۷- جهاد در راه خداوند «جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ الْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، يُنَجِّي اللَّهُ بِهِ مِنَ الْهُمِّ وَالْغَمِّ». جهاد در راه خداوند بابی از ابواب بهشت می‌باشد خداوند به وسیله آن غم و اندوه را می‌زداید و این اسباب و وسایلی را که ذکر کردیم علاج سودمندی است برای بیماری‌های درونی و بزرگ‌ترین سبب معالجه قلق درونی است برای آنکه در آنها تدبیر نماید و با صدق و اخلاص به آنها عمل نماید و برخی از علما، بارها حالات درونی و بیماری‌های درونی را با آن معالجه نموده‌اند و از آن سود فراوان برده‌اند^۲.

۵- معالجه دمل و زخم

سُفْيَانُ انْكَسَتْ اِشْرَاهُش رَا بَر زَمِينِ گِذَاشْت سِپِس اَن رَا بَلِنْد كَرْد و گُفْت: بَه نَام خُدَايِ خَاك، زَمِينِ مَا بَا اَب دِهَانِ عِدِهَايِ اَز مَا، بَا اَذِنِ

۱- مسلم، ۲۰۸۷/۴.

۲- مقدمة الوسائل المفيدة، چاپ پنجم، ص ۶.

پروردگاران سبب شفای بیمارانمان می‌گردد و پیامبر ﷺ هرگاه کسی اظهار درد می‌نمود و یا دمل و زخمی داشت به این عمل دستور می‌فرمود:

«بِسْمِ اللَّهِ، تُرْبَةُ أَرْضِنَا، بِرِيقَةِ بَعْضِنَا، يُشْفَى بِهِ سَقِيمُنَا، بِإِذْنِ رَبِّنَا» و حدیث به این معنی است که آب دهانش را بر انگشت اشاره می‌ریخت سپس آن را به خاک فرو می‌برد و با انگشتش خاک برمی‌داشت و آن را بر موضع زخم یا درد می‌مالید و در حال مالیدن موضع درد این دعا را می‌گفت^۱.

۶- علاج و گرفتاری

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۲۲﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۲۳﴾﴾

[الحديد: ۲۲-۲۳].

«هیچ رخدادی در زمین به وقوع نمی‌پیوندد، یا به شما دست نمی‌دهد، مگر اینکه پیش از آفرینش زمین و خود شما در کتاب بزرگ و مهمی بوده است و این کار برای خدا ساده و آسان است* این بدان خاطر است که شما نه بر از دست دادن چیزی غم بخورید که از دست‌تان بدر رفته است، و نه شادمان بشوید. بر آنچه خدا به دست‌تان رسانده است، خداوند هیچ شخص متکبر فخرفروشی را دوست نمی‌دارد».

﴿مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۱﴾﴾ [التغابن: ۱۱].

«هیچ واقعه و حادثه‌ای جز به فرمان و اجازه خدا رخ نمی‌دهد و هر کس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را رهنمون می‌گرداند و خداوند از هر چیزی کاملاً آگاه است».

۱- هر بنده هنگام دچار شدن به گرفتاری بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مُصِيبَتِي، وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا» خداوند در مصیبت وی را مأجور نموده است و بهتر از آن برای او خیر قرار داده است.^۱

۲- «إِذَا مَاتَ وَوَلَدُ الْعَبْدِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: قَبَضْتُمْ وَوَلَدَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: قَبَضْتُمْ ثَمَرَةَ فُؤَادِهِ؟ فَيَقُولُونَ: نَعَمْ، فَيَقُولُ: مَاذَا قَالَ عَبْدِي؟ فَيَقُولُونَ: حَمْدَكَ وَاسْتَرْجَع، فَيَقُولُ: ابْنُوا لِعَبْدِي بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَسَمُّوهُ بَيْتَ الْحَمْدِ».

«هرگاه فرزند بنده خدا بمیرد خداوند به فرشتگانش می‌فرماید آیا روح فرزند بنده مرا گرفتید؟ فرشتگان می‌گویند؟ آری، و خداوند می‌فرماید: روح جگرگوشه او را گرفتید؟ می‌گویند: آری و خداوند می‌فرماید: بندهام چه گفت؟ می‌گویند حمد تو را به جایی آورد و طلب رجوع کرد «انا لله و...» پس خداوند می‌گوید برای بندهام در بهشت خانه بسازید و آن را بیت حمد بنامید».^۲

۳- «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: مَا لِعَبْدِي الْمُؤْمِنِ عِنْدِي جَزَاءٌ إِذَا قَبَضْتُ صَفِيَّهُ مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا ثُمَّ احْتَسَبَهُ إِلَّا الْجَنَّةَ».

۱- مسلم، ۶۳۳/۲.

۲- ترمذی، صحیح الترمذی، ۲۹۸/۱.

«خداوند می‌فرماید: هرگاه روح برترین و محبوب‌ترین اهل و خانواده بندهام را بگیرم و او به آن رضایت نماید جز بهشت برای او جایگاهی نیست»^۱.

۴- و پیامبر به مردی که پسرش مرده بود فرمود: «أَلَا تَحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ أَبَاكَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدْتَهُ يَنْتَظِرُكَ».

«آیا دوست نداری که به یکی از ابواب بهشت بیایید و بچهات را بیابید که در انتظار توست».

«يَقُولُ اللَّهُ ﷻ: إِذَا ابْتَلَيْتُ عَبْدِي بِحَبِيبَتَيْهِ فَصَبَرَ [وَاحْتَسَبَ] عَوَّضْتُهُ مِنْهُمَا الْجَنَّةَ». «هرگاه بندهام را به دو حبه‌اش (چشمانش) ابتلا کردم و او صبر نماید و [رضایت داشته باشد] به جای چشمانی که از او گرفته‌ام بهشت را به او می‌دهم»^۲.

۵- «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُصِيبُهُ آدَى: مِنْ مَرَضٍ فَمَا سِوَاهُ إِلَّا حَطَّ اللَّهُ بِهِ سَيِّئَاتِهِ كَمَا حُطَّ الشَّجَرَةُ وَرَقَهَا».

«هر مسلمانی به بیماری یا چیز دیگری گرفتار آید [و شکوه ننماید] خداوند همچنان که درخت برگ‌های خود را می‌ریزد گناهان وی را از بین می‌برد».

۶- «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُشَاكُّ شَوْكَةً فَمَا فَوْقَهَا إِلَّا كُتِبَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةٌ، وَوُحِّيتْ عَنْهُ بِهَا حَاطِيَةٌ».

«هر مسلمانی اگر خاری به بدن وی فرو رود به وسیله آن برای وی درجه و ثوابی مکتوب می‌گردد و به سبب آن گناهی از او می‌زداید».

۱- بخاری، مع فتح الباری، ۲۴۲/۱۱.

۲- بخاری مع فتح الباری، ۱۱۶/۱۰.

۷- «مَا يُصِيبُ الْمُؤْمِنَ مِنْ وَصَبٍ، وَلَا نَصَبٍ، وَلَا سَقَمٍ، وَلَا حَزْنٍ، حَتَّىٰ أَلْهَمَّ يَهُمَّهُ، إِلَّا كَفَّرَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِهِ».

«خستگی و درد و بیماری و اندوه و حتی غصه که باعث دل‌تنگی او می‌شود هرگاه بر انسان مؤمن عارض گردد خداوند به سبب آن گناهان وی را پاک می‌گرداند».

۸- «إِنَّ عِظَمَ الْجُزَاءِ مَعَ عِظَمِ الْبَلَاءِ، وَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ قَوْمًا ابْتَلَاهُمْ، فَمَنْ رَضِيَ فَلَهُ الرِّضَا، وَمَنْ سَخِطَ فَلَهُ السَّخَطُ».

«بزرگی جزا و پاداش به نسبت بزرگی بلا و آزمایش است و هرگاه خداوند بخواهد قومی را دوست بدارد آنان را ابتلا می‌نماید پس هر کس رضایت نشان داد رضایت خداوند برای وی حاصل گردد و هر کس اظهار نارضایتی نماید خشم خدا برای او حاصل می‌گردد».

۷- درمان غصه و اندوه

۱- هرگاه بنده به غصه و اندوه گرفتار آید و دعای (زیر را) بخواند خداوند حزن و غصه را از دل او زدوده و به جای آن مسرت و شادی به وی عطا نماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أُمَّتِكَ، نَاصِيَتِي بَيْدِكَ، مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ، عَدْلٌ فِيَّ قَضَاؤُكَ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رِيْعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي».

«خدایا من بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو پیشانیم در دست قدرت توست حکم تو در باره من قطعی و قضاوت در مورد من عادلانه است و تو را به هر نامی که خود را به آن خوانده‌ای و یا در کتابت نازل کرده‌ای

و به هر کدام از بندگان قرا داده‌ای و در علم غیب نزد خود گذاشته‌ای از تو می‌خواهم که قرآن را بهار دلم گردانی و آن را نور سینه‌ام و سبب زدودن حزن و اندوهم گردانی»^۱.

۲- «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحُزْنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ، وَالْبُخْلِ وَالْجُبْنِ، وَضَلَعِ الدِّينِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ».

«خدایا من از غصه و اندوه و ناتوانی و ضعف و بخل‌ورزی و ترسویی و کجی در دین و چیره شدن مردان بر خود به تو پناه می‌آورم»^۲.

۸- درمان سختی و فشار

۱- «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَوَاتِ، وَرَبُّ الْأَرْضِ، وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ».

«معبود به حقی جز خداوند بزرگ، بردبار نیست، معبودی جز خداوند پروردگار عرش، والا نیست، معبودی جز خداوند پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار عرش والا و عالی مرتبه نیست»^۳.

۲- «اللَّهُمَّ رَحْمَتَكَ أَرْجُو، فَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ، «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

«خدایا به رحمت تو امیدوارم لحظه‌ مرا به نفسم وامگذار و تمام حالاتم را اصلاح نما معبود بحق، جز تو نیست»^۴.

۳- «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

۱- احمد، ۳۹۱/۱ و آلبانی آن را صحیح دانسته است.

۲- بخاری، ۱۵۸/۷، پیامبر این دعا را زیاد تکرار می‌کرد، نگاه: فتح الباری، ۱۷۳/۱۱.

۳- بخاری، ۱۵۴/۷ و مسلم، ۲۰۹۲/۴.

۴- ابوداود، ۳۲۴/۴ و احمد، ۴۲/۵، آلبانی و عبدالقادر ارنؤوط آن را صحیح دانسته‌اند.

«معبود به حقی جز تو نیست، منزّه و پاکی و من از ستمکارانم»^۱.

۴- «اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا».

«خداوند پروردگارم است و برای او انبازی قرار نمی‌دهم»^۲.

۹- درمان و معالجه مریض برای خود

«بر روی قسمتی که درد و الم دارد دست بگذارید و بگو: «بسم الله» (سه

بار) و هفت بار بگویید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»^۳.

۱۰- هر مسلمانی که به عیادت مریض برود

و او نمرده باشد و هفت بار بگوید: از خداوند بزرگ می‌خواهم تو را شفا دهد، تندرست می‌گردد.

۱۱- معالجه: اضطراب و هراس در خواب

«أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ: مِنْ غَضَبِهِ، وَعِقَابِهِ، وَشَرِّ عِبَادِهِ، وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَنْ يَحْضُرُونِ».

«از خشم و عذاب خداوند و شر بندگان او و از وسوسه‌ها و تحریکات شیاطین و از اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامّه خداوند پناه می‌برم».

۱۲- معالجه تب

از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «الْحَمِّي مِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ فَأَبْرِدُوهَا بِالْمَاءِ»^۱. «تب از گرمای جهنم است آن را با آب سرد خنک نمائید».

۱- ترمذی، ۵۲۹/۵، و حاکم و ذهبی، ۵۰۵/۱، نگاه: صحیح الترمذی، ۱۶۸/۳.

۲- ابوداود، ۸۷/۲، نگاه: ابن ماجه، ۳۳۵/۲.

۳- مسلم، ۱۷۲۸/۴.

۱۳- معالجه گزیدن و نیش زدن

- ۱- خواندن سوره حمد همراه با جمع نمودن بزاق دهان و بر روی محل نیش تف می‌گردد.^۲
- ۲- خواندن سوره کافرون و مُعَوَّذَاتَيْن با آب و نمک بر روی محل گزیده شده مالش داده می‌شود.^۳

۱۴- معالجه غضب و خشم

- درمان غضب و عصبانیت به دو صورت انجام می‌گیرد.
- طریق اول: پیشگیری
- با اجتناب از اسباب غضب می‌توان از آن پیشگیری نمود.
- این اسباب عبارتند از: کبر و غرور، خودبزرگ‌بینی، فخرفروشی، طمع ناروا، شوخی بی‌مناسبت، مسخره و مزاح و امثال این‌ها.
- طریق دوم: علاج غضب در هنگام وجود آن
- در چهار نوع خلاصه و محدود می‌گردد:
- ۱- پناه جستن به خداوند از شیطان رانده شده.
 - ۲- وضوء گرفتن.
 - ۳- تغییر حالت و موقعیتی که فرد خشمگین بر آن قرار گرفته است. مثلاً با نشستن و یا دراز کشیدن و یا بیرون رفتن و یا با قطع کردن سخن حالت خود را تغییر دهد.

۱- ابوداود، ۱۲/۴، و نگاه: صحیح الترمذی، ۱۷۱/۳.

۲- فتح الباری، ۱۰/۱۷۴، و مسلم، ۱۷۳۳/۴.

۳- طبرانی در صحیح الصغیر، ۸۳۰/۲، نگاه: مجمع الزوائد، ۱۱۱/۵.

۴- آنچه را که در باره ثواب و جزای خشم فرو خوردن در متون دینی آمده است و آنچه را که درباره عذاب و خواری خشم آمده است به یاد بیاورد.^۱

۱۵- معالجه با سیاهدانه

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ فِي الْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ، إِلَّا السَّامَ».

«در سیاهدانه، شفا و بهبودی هر درد و بیماری نهفته است جز مرگ».

۱۶- معالجه با عسل

۱- خداوند در قرآن درباره زنبور عسل می فرماید:

﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۶۹].

«از درون زنبورها عسل، مایعی بیرون می تراود که رنگ‌های مختلفی دارد که در این بهبودی مردمان نهفته است».

و از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرموده است:

«الشِّفَاءُ فِي ثَلَاثَةٍ: فِي شَرْطَةِ مَحْجَمٍ، أَوْ شَرْبَةِ عَسَلٍ، أَوْ كَيْتَةِ بِنَارٍ، وَأَنَا أَنْهَى أُمَّتِي عَنِ الْكَيْ»^۲.

«در سه چیز شفاء و بهبودی یافت می‌گردد؛ در خون گرفتن با حجامت، عسل، داغ کردن با آتش، و من امتم را از داغ نمودن نهی می‌نمایم».

۱- آفات اللسان، ص ۱۱۰-۱۱۲، و الحکمة فی الدعوة إلى الله، ص ۶۴-۶۶، از نویسنده.

۲- فتح الباری، ۱۳۷/۱۰، نگاه: در فوائد عسل، زادالمعاد، ۵۰/۴-۶۲.

۱۷- معالجه با آب زمزم

- ۱- از پیامبر ﷺ روایت گردیده است که در باره آب زمزم فرموده است: «إِنَّهَا مُبَارَكَةٌ، إِنَّهَا طَعَامٌ طُعِمَ [وَشِفَاءٌ سَقِيمٍ]». (اب زمزم مبارک است همانا آن خوراک خوشمزه و شفای بیمار است)'.^۱
- ۲- حدیث جابر «مَاءٌ زَمْزَمٌ، لِمَا شَرِبَ لَهُ» - به نیت و قصدی که نوشیده شده است به نوشنده آن فایده می‌رساند.
- ۳- پیامبر ﷺ آب زمزم را در مشک‌ها حمل می‌کرد و بر روی بیماران می‌ریخت و به آنان می‌نوشاند و ابن القیم رحمته می‌گوید: من و غیر من از استشفاء به آب زمزم، امور شگفتی را تجربه کرده‌ایم و از چند مرض به وسیله آن شفا جستیم و به اذن خداوند بهبود یافتیم.

۱۸- مداوا و معالجه بیماری‌های قلب

قلب سه نوع می‌باشد:

- ۱- قلب سلیم: قلبی است که در قیامت سبب نجات صاحبش می‌گردد:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿۸۸﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿۸۹﴾﴾
[الشعراء: ۸۸-۸۹].

«آن روزی که اموال و فرزندان سودی نمی‌رساند* بلکه تنها کسی که با دلی سالم به پیشگاه خدا آمده باشد».

قلب سلیم قلبی است که از هر شهوت و آرزوی مخالف با امر و نهی خدا و از هر شبهه که با گفتار خداوند تعارض داشته باشد سالم و به دور باشد از عبودیت ماسوای او و از پذیرش حکمی جز حکم رسول او محفوظ و بدور باشد.

و خلاصه اینکه در آن هیچ شریک غیرخدایی نباشد و بلکه از لحاظ عبودیت مانند محبت، توکل، انابه، تواضع، خوف و امید، برای خداوند خالص گردیده باشد حب و بغض و عطاء وضع وی برای خداوند باشد و جسم او کردار او و خواب و بیداری او سخن گفتن او و حرف زدن او برای خدا باشد و افکار وی بر حول خداوند و رضایت او بچرخد^۱، از خداوند متعال چنین قلبی را خواستاریم.

۲- قلب میّت: برعکس قلب سلیم است و آن قلبی است که پروردگار خویش را نمی‌شناسد و بر اساس امر و حب و رضایت خداوند عبادت نمی‌نماید و بلکه با آرزو و شهوات خود در برابر خداوند ایستاده است و برای غیر خداوند پرستش می‌نماید و حب و خوف و امیدش برای غیر خداست و اگر دوست بدارد برای آرزو و هوای نفسانی خود می‌باشد و بغض و عطاء و منع وی برای هوای نفسانی است و هوی و آرزو پیشرو و قائد وی می‌باشند و سوق دهنده وی به سوی انجام عمل جهل است و مرکب وی غفلت است، از این نوع قلب به خداوند پناه می‌بریم.

۳- قلب مریض: قلبی است که دارای حیات است و از آن طرف نیز بیمار است و دو چیز هر کدام به نوبه خود او را به طرف خویش می‌کشانند، از طرفی محبت خدا و ایمان و اخلاص و توکل بر خداوند در آن یافت می‌شود و آن هم ماده حیات آن است و از طرف دیگر محبت شهوات حسد و غرور و خودبزرگ‌بینی نفاق و ریا و بخل را داراست و آن ماده و عامل هلاک و ضایع شدن آنست. قرآن علاج قلب از تمامی بیماری‌ها را بیان کرده است، و می‌فرماید:

۱- نگا: إغاثة اللفهان من مصائد الشيطان، ابن القيم الجوزية، ۱/۷ و ۷۳.

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ [یونس: ۵۷].

«ای مردم! به راستی که برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد، و شفایی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان است.»

﴿وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾ [الإسراء: ۸۲]

«و از قرآن آنچه را که شفا و رحمت برای مؤمنان است؛ نازل می‌کنیم، و ستمکاران را جز زیان نمی‌افزاید.»

بیماری‌های قلب دو نوع می‌باشد:

نوعی صاحب آن اکنون احساس درد و رنج نمی‌نماید و آن عبارتند از وجود جهل، شبهات، تردید و شک، و این بزرگ‌ترین نوع درد است اما به سبب فساد قلب احساس نمی‌شود.

و نوع دیگر آن مرض است که فی الحال دردآور است مانند غصه، اندوه، خشم، و این بیماری با داروهای طبیعی نیز از بین می‌رود. و علاج قلب به چهار صورت انجام می‌گیرد:

۱- به وسیله قرآن کریم؛ چون قرآن شفاء و بهبودبخش است برای آنچه که در درون می‌باشد و انواع شرک و چرک کفر و امراض شهوات را می‌زداید و قرآن برای کسی که از حق شناخت پیدا کرده باشد و بدان عمل نماید راهنماست و کسانی که هم به آن دست می‌یابند مایه رحمت دنیوی و اخروی آن‌ها می‌گردد:

﴿أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يُرَىٰ فِي مِثْقَالِ بُعْدٍ فِي النَّاسِ
كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا﴾ [الأنعام: ۱۲۲].

«آیا کسی که مرده بوده است و ما او را زنده کرده‌ایم و نوری را فرا
روی او قرار داده‌ایم که در پرتو آن، میان مردم راه می‌رود آیا مانند
کسی که به مثل گویی در تاریکی‌ها فرو رفته است.»

۲- قلب به سه چیز نیازمند است:

الف) آنچه نیرو و توان او را حفظ نماید و آن هم عبارت است از؛
ایمان و عمل صالح و انجام اقسام عبادات.

ب) پیشگیری از عوامل مضرّ و آن هم نیز با اجتناب از معاصی و
انواع مخالفت با قانون خداوند انجام می‌گیرد.

ج) خود را تخلیه نمودن از اخلاق و خصوصیات فاسده و آن نیز با
توبه و استغفار حاصل گردد.

۳- علاج بیماری قلب از چیره شدن نفس بر آن: دارای دو علاج است
یکی؛ محاسبه و حسابرسی نفس، دوم؛ مخالفت با آن و محاسبه
نیز دو نوع است:

الف) نوعی از محاسبه قبل از انجام عمل است و آن هم دارای چهار
قسم است:

۱- آیا این عمل بر او مقدور و ممکن است؟

۲- آیا انجام این عمل از ترک آن بهتر است؟

۳- آیا هدف از انجام این کار رضایت خداوند است؟

۴- آیا در این عمل کسی او را یاری و نصرت می‌نماید اگر چنانچه

نیاز به یاری و کمک دیگران بود؟ اگر جواب سؤال‌های فوق

مثبت بودند فرد خود را بر انجام آن‌ها اقدام نماید و در غیر این

صورت نباید به انجام آن‌ها پردازد.

ب) نوع دیگر از معالجه قلب از چیره شدن نفس بر آن بعد از انجام عمل درمان می‌گردد و به سه طریق انجام می‌پذیرد:

۱- محاسبه و حساب‌رسی نفس بر طاعت و رعایت حق الله که در آن قصور ورزیده و به نحو مطلوب آن را انجام نداده باشد و حقوق خداوند عبارتند از: اخلاص، متابعه، شکر نعمت، درک احسان و نیکویی، و

۲- محاسبه نفس بر هر کرداری که ترک آن از انجام آن بهتر باشد.

۳- محاسبه نفس بر امر مباح و یا معمولی که آن را انجام نداده باشد و آیا هدف از ترک آن خدا و قیامت بوده است تا بهره‌مند گردد یا هدف وی در ترک آن دنیوی بوده است و ضررمند گردد.

خلاصه اینکه نفس خود را بر انجام فرائض محاسبه نماید و اگر در آن قصور ورزیده است آن را کامل گرداند، و بعد از آن بر ترک مناهی نفس خود محاسبه نماید و اگر مرتکب گناه شده است با توبه و استغفار آن را جبران نماید و سپس نفس را بر آنچه که با جوارح انجام داده محاسبه نماید و در آخر آن را بر غفلت محاسبه نماید.^۱

۴- درمان و معالجه بیماری قلب از استیلاي شیطان بر آن: شیطان دشمن انسان است و جدایی از او با استعاذه که خداوند مشروع نموده است ممکن می‌گردد و پیامبر ﷺ در روایت زیر استعاذه از شر نفس و شر شیطان را کنار هم و با هم جمع نموده است، و به ابوبکر صدیق می‌فرماید: «قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، رَبِّ كُلِّ شَيْءٍ وَمَلِيكُهُ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي، وَشَرِّ الشَّيْطَانِ وَشَرِّكِهِ، وَأَنْ

أَقْتَرَفَ عَلَى نَفْسِي سُوءًا، أَوْ أَجْرَهُ إِلَى مُسْلِمٍ، قُلُهُ إِذَا أَصْبَحْتَ،
وَإِذَا أَمْسَيْتَ، وَإِذَا أَخَذْتَ مَضْجَعَكَ».

«بگو خدایا ای خالق آسمان‌ها و زمین، ای آگاه به غیب و شهادت، ای پروردگار و مالک تمام اشیاء، گواهی می‌دهم که معبود بحق جز تو نیست، از شر نفسم و از شر شیطان و شرک او و اینکه بر نفس خود دچار بدی گردم و یا به مسلمانی بدی وارد نمایم به تو پناه می‌آورم. این دعا را هنگام صبح و شب و هرگاه به رختخواب رفتی بگویند»^۱.

استعاذه، توکل، اخلاص از چیره شدن شیطان ممانعت می‌نمایند^۲.

وصلی الله وسلم علی عبده ورسوله محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین

ومن تبعهم بإحسانٍ إلى یوم الدین

۱- ترمذی و ابوداود، نگا: صحیح الترمذی، ۱۴۲/۳.

۲- إغاثة اللفهان، ۱۴۵/۱-۱۶۲.